

# جرم‌شناسی

(پیشگیری)

استاد: ع.ح. نجفی ابرندآبادی

تهیه و تنظیم

محمدعلی بابایی

نیم‌سال نخست سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹

تذکر: بازبینی، اصلاح و اضافه نمودن پاورقی‌های این جزوه توسط آقای امیر حمزه زینالی دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس انجام گرفته است.

## ۱- جایگاه پیشگیری از بزهکاری در قوانین ایران و اهمیت پرداختن به آن

پیشگیری در حقوق ایران وجاهت قانونی دارد؛ چراکه خبرگان قانون اساسی و قانونگذار، در کنار حقوق جزا، مبانی قانونی پیشگیری را پیش‌بینی کرده‌اند.<sup>۱</sup> بند ۴ اصل ۱۵۶ قانون اساسی منبع محوری حقوق جزا در کشور ماست؛ چون وظیفه قوه قضائیه را کشف جرم، تعقیب و ... اعلام کرده است. اما بلافاصله پس از بند ۴، خبرگان قانون اساسی اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین را در بند ۵ همان اصل به عنوان وظیفه دیگر پیش‌بینی کرده‌اند. از سوی دیگر، در دیباچه قانون اساسی در بحث مربوط به قضا، جلوگیری از انحرافات امت اسلامی اعلام شده است که یکی از این انحرافات می‌تواند جرم باشد.

قانون اساسی ایران، اصول حقوقی راهبردی را که متضمن مسائل حقوقی است، برای حقوق پیشگیری و نظام پیشگیری پیش‌بینی کرده است. لذا می‌توانیم بگوئیم بند ۴ اصل ۱۵۶ مبنای حقوق جزا و بند ۵ اصل ۱۵۶، مبنای پیشگیری است. بند ۴ و ۵ اصل ۱۵۶ به طور عام سیاست جنایی ماست. بند ۴ به طور خاص به سیاست کیفری مربوط است، لذا خبرگان قانون اساسی برای مبارزه با جرم، سرکوبی و پیشگیری را با هم مطرح کرده‌اند. بند ۴، حکایت از پیشگیری کیفری دارد و در واقع ناظر به اجرای مجازات‌ها، اجرای عدالت کیفری و پیشگیری از بزهکاری از طریق تهدید مجرمین به مجازات می‌باشد.

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: فرجیهای قزوینی، محمد، اقدام مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۳.

## جرم‌شناسی ۷۳۷

قسمت اول بند ۵ اصل ۱۵۶ ق.ا. به پیشگیری از جرم بطور عام مربوط است. از این قسمت پیشگیری غیر کیفری را استنباط می‌کنیم. قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ راجع به اصلاح مجرمین است. مجرمین همان محکومین به زندان هستند و چون زندان از تشکیلات وابسته به قوه قضائیه است، اصلاح مجرمین از وظایف آن قوه می‌باشد.

اجرای بند ۴ و قسمت دوم بند ۵، از وظایف قوه قضائیه است، ولی قسم اول بند ۵ از وظایف انحصاری آن، نیست، زیرا دادگاه‌های دادگستری زمانی دخالت می‌کنند که جرمی اتفاق افتاده باشد. لذا محکمه عمومی نمی‌تواند به منظور جلوگیری از جرم مؤسسه‌ای را تعطیل کند.

مراد خبرگان از قسمت اول بند ۵ این بوده که قوه قضائیه متولی است و نه مجری. به عبارت دیگر، این قوه باید سیاست‌گذاری نماید و کمیسیون را بدین منظور تشکیل دهد. در فرانسه، پیشگیری از بزهکاری تا ۱۹۸۸ در چهارچوب شورای ملی پیشگیری از جرم‌زیر نظر نخست‌وزیر فرانسه بود.<sup>۱</sup> از سال ۱۹۸۸ به بعد، یک هیأت مشترک از بین چند وزارت‌خانه تشکیل شد که مستقر در وزارت شهر و شهرسازی است.

در کشوری چون فرانسه، اصولاً پدیده شهر و شهرک‌سازی و مسائل اجتماعی که به دنبال داشته است، مشکلات بزهکاری را دامن زده است. لذا این هیأت در وزارت شهرسازی مستقر شده است.

در انگلیس، امر پیشگیری از جرم را پلیس به عهده دارد و در سوئد سازمان مستقلی متولی این وظیفه است. در بلژیک، مدیریت پیشگیری را وزارت دادگستری و پلیس مشترک عهده‌دار هستند.

## ۷۳۸ مباحثی در علوم جنایی

بنابراین، مراد خبرگان قانون اساسی از بند ۵ (قسمت اول بند ۵)، این بوده که قوه قضائیه متولی است و نه مجری؛ در قوانین عادی نیز این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. بعضی از این قوانین عبارتند از:

۱. قانون مبارزه با مواد مخدر (ماده ۳۰)؛

۲. قانون ادغام نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹؛

۳. قانون تأسیس سازمان بهزیستی.

در آئین‌نامه قانون سازمان زندان‌ها نیز در چندین ماده به پیشگیری از وقوع و تکرار جرم توجه شده است. در این آئین‌نامه، عمدتاً به قسمت دوم بند ۵ اصل ۱۵۶ توجه شده است.

زندان درمانگاه جرم است. بنابراین، اداره ای به نام پذیرش و تشخیص در اختیار دارد که محل تشکیل پرونده شخصیت محکومین است. شورای طبقه‌بندی زندانیان که قسمت دیگر زندان است، بر اساس پرونده شخصیت و پرونده کیفری، مناسب‌ترین محل استقرار زندانی را تعیین می‌کند، چرا که زندان‌های باز، بسته، نیمه‌باز و مراکز اقدامات تأمینی، همه در آئین‌نامه زندان‌ها پیش‌بینی شده است. همچنین، مراکز مراقبت بعد از خروج نیز وجود دارد. آئین‌نامه سازمان زندان‌ها چهار اصل محوری جرم‌شناسی بالینی<sup>۱</sup> را مورد توجه قرار داده است:

۱. مطالعه بر روی مجرم و معاینه پزشکی - روان‌شناختی و اجتماعی او؛

۲. تشخیص بیماری با توجه به پرونده شخصیت (ارزیابی شخصیت بزهکار و حالت خطرناک او)؛

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم‌بیگی، حمید، دانش‌نامه

جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۴۳ تا ۴۵ و نیز، ریموند

گسن، جرم‌شناسی کاربردی، منبع پیشین.

۱. برای اطلاعات بیشتر رک: به ریموند گسن، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، ناشر:

مترجم، ۱۳۷۰.

۳. تجویز دارو که شورای طبقه‌بندی متصدی آن است (به فرمول درآوردن برنامه اصلاح و درمان که باید در مورد بزهاکار اجرا شود)؛

۴. مراقبت بعد از خروج از زندان (دوره نقاهت) (دنبال کردن اجرای برنامه اصلاح و درمان و کنترل نتایج آن).

ریشه این آئین‌نامه، قواعد حداقل سازمان ملل متحد در مورد نحوه رفتار با زندانیان مصوب ۱۹۵۵ می‌باشد. در این آئین‌نامه، مرکز پذیرش، تشخیص و مرکز مراقبت بعد از خروج از زندان پیش‌بینی شده است. وظایف این مرکز، همسریابی، کاریابی، شناسایی خانواده مجرم و ... می‌باشد. لذا باید برنامه‌های اصلاح مجرم را در دوران اولیه آزادی زندانی تحت پوشش قرار دهد. قانون در حال حاضر قانون به معنای که به خاطر اعتیاد از کار خود منفصل شده، اجازه می‌دهد چنانچه ترک اعتیاد نماید، تقاضای استخدام کند.

با توجه به مطالب فوق، پیشگیری در کنار کیفر و جاهت قانونی دارد و لاجرم با مقررات اسلامی نیز سنخیت دارد. دلیل دیگر برای انتخاب موضوع پیشگیری، آن است که در کشور ما پیشگیری هیچگاه عملی نشده است. پیش از انقلاب، ما قانون اقدامات تأمینی و تربیتی داشتیم. در این قانون پیشگیری از تکرار جرم پیش‌بینی شده بود.

قانون تشکیل دادگاه اطفال و آیین‌نامه تشکیل کانون اصلاح و تربیت، به پیشگیری از جرایم اطفال داشته‌اند. از سال ۱۳۵۷ به بعد، کانون اصلاح و تربیت فقط در تهران تشکیل شد و دادگاه‌های اطفال نیز معمولاً همان محاکم جنحه بودند. آخرین دلیل برای انتخاب موضوع پیشگیری، جایگاهی است که این امر در جرم‌شناسی دارد.

## ۲- کلیاتی در باب جرم‌شناسی و جایگاه پیشگیری از جرم در آن

### ۲-۱- ویژگی‌های جرم‌شناسی

جرم‌شناسی علمی است مرکب و هر علوم مرکب ۵ ویژگی دارند:

۱. علوم مرکب علمی چندبعدی و چندرشته‌ای می‌باشند و از ترکیب سایر علوم بوجود آمده‌اند بی آنکه در آن علوم حل شده باشند. جرم‌شناسی نیز از تلاقی رشته‌های مختلف علوم بوجود آمده است: انسان‌شناسی جنایی، روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی و آمار جنایی، روان‌پزشکی جنایی که جملگی از چندبعدی و چندمبنایی بودن این علم حکایت دارد؛

۲. جرم‌شناسی به عنوان علمی مرکب، جنبه عملی دارد؛

۳. علت وجودی جرم‌شناسی، ایجاد اصلاحات و تحول در حقوق جزا و فراهم کردن زمینه اصلاح و درمان و پیشگیری از وقوع جرم است؛

۴. جرم‌شناسی نه عام است و نه خاص؛ یعنی از علوم است که بین عام و خاص در حرکت و جنبش می‌باشد. برای اینکه پزشک بتواند راه درمان بیماری را پیدا کند باید بیماران را به صورت فردی معاینه، عکس‌برداری و آزمایش کند. سپس، نتایج آزمایش و معاینه را در آزمایشگاه خود مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و از دل آنها نتایج دارویی و درمانی پیدا کند. در اینجا است که می‌تواند این درمان را نسبت به همه کسانی که این بیماری را دارند، تجویز و اعمال کند. در جرم‌شناسی، نیز کلینیک جرم سازمان زندان‌ها است؛ در این سازمان اداره پذیرش و تشخیص، نقش معاینه و آزمایش را به عهده دارد. همچنین، به نهادی به نام شورای طبقه‌بندی زندانیان وجود دارد که بر اساس پرونده شخصیت، محکومین را به مراکز مختلف موجود در داخل

## جرم‌شناسی ۷۴۱

زندانی‌ها اعزام کند. هدف از این کار این است که بعد از اتمام دوران حبس، زندانی، اصلاح شده از زندان بیرون برود؛

۵. علوم مرکب، در کنار مفاهیم علمی، دارای مفاهیم ارزشی نیز می‌باشند. در مباحثی نظیر پزشکی، سلامتی، بیماری و شفا وجود دارد. اما محدوده این مفاهیم مشخص نیست. کسی که خود را شفایافته تلقی می‌کند، چه بسا بیماری‌های عدیده‌ای داشته باشد. این امر در مورد جرم‌شناسی نیز صادق است. مسائلی چون حق و ناحق، مسئولیت، جرم و مجازات، اگرچه در قانون آمده‌اند، ولی از دید هر کس متفاوت است. ممکن است مجازات از نظر یک نفر تنبیه باشد، اما از نظر دیگری ممکن است این‌گونه نباشد؛

۶. علوم مرکب، تحت حاکمیت سلوک اخلاقی قرار دارند. به عنوان مثال، پزشکان بر اساس سوگند بقراط متعهد می‌شوند که به هنگام درمان بیمار، به او ضرر نزنند. در جرم‌شناسی عقیده بر این است که به نام مجازات، رنج و عذاب مضاعفی به مجرم، به جهت بزهکار بودن، تحمیل نگردد. نمی‌توان به تمامیت جسمانی او خدشه‌ای وارد کرد. بنا به رعایت سلوک اخلاقی و اخلاق جرم‌شناسی، نباید پیشگیری از جرم منجر به مداخله در زندگی خصوصی افراد شود یا به کرامت و حرمت انسان‌ها بی‌حرمتی شود. به این ترتیب، این علوم از مجموعه روش‌ها، دیدگاه‌ها و شناخته‌ای متنوع، لیکن ادغام شده بوجود آمده‌اند که هدف همه آنها مبارزه با بیماری یا همان جرم است.

## ۷۴۲ مباحثی در علوم جنایی

### ۲-۲- جرم‌شناسی نظری<sup>۱</sup>

جرم‌شناسی را از یک منظر به جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی عملی (کاربردی) تقسیم کرده‌اند.

رسالت جرم‌شناسی نظری تشریح و تبیین عمل مجرمانه و نحوه تکوین جرم و فرآیند عمل جنایی است. جرم‌شناسی نظری خود به دو شاخه تقسیم شده است: جرم‌شناسی کلان و جرم‌شناسی خرد

در واقع جرم را می‌توان در درجه اول به مثابه یک «پدیده فردی» تلقی کرد، در این صورت، مطالعه عملی فعل مجرمانه در حقوق کیفری، «جرم‌شناسی خرد» را تشکیل می‌دهد. اما عمل جنایی می‌تواند در مقیاس جمعی، خصوصاً در سطح کشور، به مثابه «پدیده جمعی» در نظر گرفته شود. در این صورت، مسأله با عنوان بررسی تبهکاری در «جرم‌شناسی کلان» مطرح است.

جرم‌شناسی کلان، در عمل جرایم را صرف‌نظر از نوع جرم توده جرایم را، یعنی مجموعه جرایم در زمان و مکان، بررسی می‌کند. در این شاخه از جرم‌شناسی، مجموعه جرایم را در ارتباط با سازمان جامعه، دولت، رژیم اقتصادی، نظام ساختاری و شرایط جغرافیایی یک کشور مورد مطالعه قرار می‌دهیم. به عبارت دیگر، تأثیر شرایط اقتصادی، سیاسی، ساختاری ... بر نوسانات منحنی بزهکاری بررسی می‌شود. در جرم‌شناسی ما به مطالعاتی دست می‌زنیم که ناظر به پیش‌بینی جرم و مجموعه جرایم، به منظور برنامه‌ریزی مادی و انسانی برای کنترل بزهکاری در آینده است.

در مقابل جرم‌شناسی کلان، جرم‌شناسی خرد وجود دارد. در این‌جا به دنبال علت‌شناسی فردی جرم هستیم. یک فرد تحت تأثیر چه عواملی مرتکب جرم شده است؟ در این نوع جرم‌شناسی، جنبه فردی و شخصی جرم مورد بررسی قرار

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک: ریموند گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا،

انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۷۴.

## جرم‌شناسی ۷۴۳

می‌گیرد. پدیده‌هایی چون طلاق، اختلافات خانوادگی، فقر، محله زندگی و مدرسه، در سطح افراد یک محل یا خانواده بررسی می‌شود. در واقع، ما به دنبال این موصف، هستیم که چرا در یک محل، عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند. چرا افراد این مکان مرتکب جرم خاصی می‌شوند. در یک جمله، در این جرم‌شناسی، فرآیند تصمیم‌گیری و ارتکاب جرم با توجه به عوامل خرد شخصی و فردی مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۲-۳- جرم‌شناسی کاربردی

جرم‌شناسی جنبه کاربردی نیز دارد. تئوری‌ها و اصولی که از مشاهده و مطالعات میدانی و از آمار جنایی بدست می‌آید، در این مرحله مورد استفاده قرار می‌گیرد. جرم‌شناسی کاربردی نیز دارای طبقه‌بندی است. عده‌ای معتقدند که جرم‌شناسی کاربردی همان جرم‌شناسی بالینی است. عده‌ای دیگر عقیده دارند که جرم‌شناسی کاربردی سه شاخه دارد که یک شاخه آن جرم‌شناسی بالینی است.

جرم‌شناسی کاربردی یا عملی عبارتست از مطالعه علمی کارآیی امکانات مبارزه با بزهکاری.

این جرم‌شناسی، تقریباً همزمان با جرم‌شناسی نظری متولد شده است. زمانی که فری مجرمین را به ۵ طبقه تقسیم‌بندی کرده بود: بزهکاران فطری، به عادت، مختل‌المشاعر، هیجانی و عاطفی، در کنار این دسته‌بندی وسایل مبارزه با این ۵ نوع بزهکاری را نیز پیشنهاد کرده بود. جرم‌شناسی کاربردی در نهایت توسط دولت و مراجع عمومی به اجرا گذاشته می‌شود.

عده‌ای معتقدند اگر جرم‌شناسی هنوز بُعد عملی و کاربردی به خود نگرفته، بدین علت است که دولت‌ها و مسؤولان، حاضر به سرمایه‌گذاری در این زمینه نیستند.<sup>۱</sup> در

## ۷۴۴ مباحثی در علوم جنایی

مقایسه با حقوق جزا، نتایج جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم دیر به دست می‌آید. در حقوق جزا، چون نتیجه اقدام دولت زود نمایان می‌شود، دولت‌ها بیشتر گرایش دارند از طریق سرکوبی با جرم برخورد کنند. شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی عبارتند از:

۱. جرم‌شناسی حقوقی یا (Legal criminology):

۲. جرم‌شناسی بالینی (Clinical criminology):

۳. جرم‌شناسی پیشگیرانه (Preventional criminology)

**الف.** جرم‌شناسی حقوقی (انتقادی) - نظام کیفری از مراحل و به تبع آن از نهادها و ارگان‌های مختلفی تشکیل شده است. جرم‌شناسی حقوقی در اصل به مطالعه انتقادی از این نهادها و ارگان‌های نظام کیفری می‌پردازد. مثلاً نهاد زندان، نهاد دادسرا، مجازات اعدام، وحدت یا تعدد قاضی. جرم‌انگاری....

بدین ترتیب، جرم‌شناسی حقوقی برآوردهای انتقادی از حقوق جزاست. تأثیر افزایش اختیارات قاضی در تعیین مجازات و میزان آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پس هدف اصلاح حقوق جزا، اصلاح نهادهای کیفری از طریق ارزیابی انتقادی آنهاست.

**ب.** جرم‌شناسی کلینیکی یا درمانگاهی یا بالینی رشته‌ای است که بر اساس مدل معمول در پزشکی شکل گرفته و اعمال می‌شود. غایت جرم‌شناسی بالینی جلوگیری از تکرار جرم است. عده‌ای این شاخه را تنها شاخه کاربردی جرم‌شناسی کاربردی می‌دانند. در این جرم‌شناسی، پدیده فردی، یعنی شخص مجرم و آنچه مربوط به وی می‌شود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لذا ممکن است از زوایای جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روانپزشکی، مجرم را مورد توجه قرار دهد. جرم‌شناسی بالینی چون از پزشکی الهام می‌گیرد، همان شیوه را دنبال می‌کند. در پزشکی، معاینه، تشخیص، تجویز و درمان وجود دارد. در جرم‌شناسی نیز این چهار مرحله وجود دارد. در

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک.: ع.ح. نجفی ابرندآبادی، نقش مطالعات و یافته‌های جرم‌شناختی در تحولات حقوق کیفری و سیاست جنایی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق

## جرم‌شناسی ۷۴۵

آئین‌نامه سازمان زندان‌ها، پذیرش، تشخیص، شورای طبقه‌بندی و مراکز مراقبت بعد از خروج پیش‌بینی شده است.<sup>۱</sup>

در حقوق ما جرم‌شناسی بالینی در آئین‌نامه سازمان زندان‌ها و ماده یک به بعد قانون اقدامات تأمینی جایگاه خاص خود را دارد. جرم‌شناسی بالینی به معنای صددرد درمان پزشکی نیست، بلکه ممکن است این اصلاح جنبه روانی یا جسمانی به خود بگیرد.

**ج.** جرم‌شناسی پیشگیرانه سومین و آخرین شاخه جرم‌شناسی کاربردی است

این رشته به مطالعه علمی کارآیی و امکانات پیشگیری از بزهکاری، که ممکن است در سطح یک کشور، شهر یا محله باشد می‌پردازد. در این جرم‌شناسی ما به منظور عقیم و متوقف کردن حرم در آستانه ارتکاب یا در شرف ارتکاب جرم اقدام می‌کنیم. بنابراین، پیشگیری و ارباب ناشی از اجرای مجازات و استفاده از نظام کیفری مدنظر ما نیست. در این جرم‌شناسی، پیشگیری در کنار نظام کیفری وجود دارد. یعنی پیشگیری غیر کیفری، یا پیشگیری از ارتکاب جرم قبل از وقوع بزهکاری و دقیقاً هدف آن کمک به پیشگیری کیفری است. زیرا حقوق جزا و تهدید به مجازات، علیرغم شداد و غلاظ خود نتوانسته جلو موج بزهکاری و وقوع آن را بگیرد.

پیشگیری از وقوع جرم و بزهکاری در خود خارج از نظام کیفری، در آثار نخستین جرم‌شناسان مانند انریکو فری مورد توجه قرار گرفته است. وی عقیده دارد جرم از سه عامل ناشی می‌شود: ۱. عوامل انسانی؛ ۲. عوامل طبیعی و جغرافیایی؛ ۳. عوامل اجتماعی بر همچنین او قانون اشباع جنایی را مطرح کرده و نخستین کسی

---

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه ع.ح. ابرنآبادی، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

## ۷۴۶ مباحثی در علوم جنایی

است که به دو مفهوم اشاره دارد:<sup>۱</sup> ۱. جایگزین‌های مجازات کیفری؛ ۲. هم ارزهای کیفری.

ملاحظه می‌شود که پیشگیری از ابتدا در جرم‌شناسی مطرح بوده و مکاتب و دیدگاه‌هایی که بعد از جرم‌شناسی بوجود آمده‌اند، پیشگیری را مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>۲</sup> خود پیشگیری از دو جهت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد: مبانی نظری پیشگیری و نحوه اجرای پیشگیری. بنابراین دو مبحث در پیش رو داریم:

۱. چرا پیشگیری مهم است؟ ۲. چگونه باید پیشگیری کرد؟

---

۱- برای توضیح بیشتر ر.ک.: به مقاله جانشین‌های کیفری و جرم‌شناسی، ژان پیناتل، فصل‌نامه حق، شماره ۳.

۲- برای اطلاعات بیشتر در زمینه پیشگیری از جرم و رویکرد اساسی کلاسیک و نوین به آن ر.ک: گوردون هیوز، پیشگیری از جرم، ترجمه علیرضا کلدی و محمدتقی جغتایی، ناشر سازمان بهزیستی و دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۰.

### ۳- مفهوم، معنای لغوی، عناصر و اوصاف پیشگیری

چرا بحث پیشگیری در سیاست جنایی خیلی دیر مطرح شده است؟ چرا حقوق جزا سابقه چهار هزار ساله دارد، در حالی که پیشگیری اخیراً مطرح شده است؟ چرا صاحبه نظران از این مفهوم استقبال نمی‌کنند؟

#### ۳-۱- مفهوم پیشگیری

برای پاسخ به سؤالات فوق، ضروری است در ابتدا مفهوم پیشگیری توضیح داده شود. برای پیشگیری تعاریف متعددی ارائه شده که مبتنی بر بینش صاحبان تعاریف است. دو جهت‌گیری عمده در پیشگیری قابل توجه است: ۱. مفهوم و استنباط موسع؛ ۲. مفهوم و استنباط محدود و مضیق.

#### ۳-۱-۱- مفهوم موسع پیشگیری

مطابق این مفهوم، هر آنچه که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. لذا مجازات، ترمیم خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی، پیشگیری به شمار می‌آیند. لذا طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیرکیفری را در برمی‌گیرد.

این استنباط در نزد جرم‌شناسان بی‌سابقه نیست. نخستین جرم‌شناسی که دارای این بینش بود انریکو فری است. وی دانشجوی لمبروزو بود و ابتدا به جبریت بروند رفتار مجرمانه عقیده داشت. ولی به تدریج نظرش عوض شد و مجرمین را طبقه‌بندی کرد. وی برخلاف لمبروزو، محیط اجتماعی و جغرافیایی را نیز به عنوان عوامل موثر در جرم برشمرد. بزهدکار مختل المشاعر، هیجانی و به عادت از تقسیم‌بندی‌های اوست.

### ۷۴۸ مباحثی در علوم جنایی

پیشگیری در مفهوم موسع هر چیزی را شامل می‌شود در مبارزه با بزهکاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. فری معتقد بود که از پنج دسته بزهکاران، بزهکاران هیجانی (عشقی) به عادت و اتفاقی، از جمله بزهکارانی هستند که محیط آنها را وادار به ارتکاب جرم می‌نماید. وی دو راهکار برای مبارزه با جرم پیشنهاد کرد: تدابیر دفاع فردی و تدابیر و دفاع اجتماعی.

دفاع فردی یعنی مبارزه با علل شخصی جرم. وی معتقد بود به جای مجازات، دفاع فردی را جایگزین کنیم که به زبان امروزی به آن پیشگیری از تکرار جرم می‌گویند. منشأ اقدامات تأمینی در حقوق جزا مکتب تحقیقی است و فری و گاروفالو دو نفر از پیشگامان طرح اقدامات تأمینی هستند.

دفاع اجتماعی پس از نیم‌قرن، عنوان اقدامات تأمینی به خود گرفت. به نظر فری دفاع اجتماعی باید جایگزین مجازات گردد و در کنار دفاع فردی که ناظر به پیشگیری از تکرار جرم است قرار گیرد. منظور او دفاع جمعی اقداماتی بود که هم‌عرض کیفر می‌باشد و هدف انحصاری آن تقلیل و کاهش عوامل اجتماعی بزهکاری است.

پیش از آنکه در حقوق جزا نهاد مستقلی به نام اقدام تأمینی داشته باشیم، بعضی مجازات‌ها خاصیت اقدامات تأمینی را داشته‌اند؛ مثلاً تعطیلی محل کسب به عنوان مجازات یا اخراج بیگانه از کشور یک اقدام تأمینی است<sup>۱</sup>. به عبارت دیگر چون جهت‌گیری اقدامات تأمینی پیشگیری از جرم در آینده است، لذا در اینجا سعی می‌شود عوامل ترکیبی جرم خنثی شود.

فری اعتقاد دارد به موازات دفاع فردی، باید دفاع جمعی نیز وجود داشته باشد. لذا برداشت وی جنبه فراگیر دارد. به عنوان مثال، از جمله اقدامات جمعی که او در

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، ر.ک: برنار بولک، کیفرشناسی، صفحه ۶۱ به بعد.

کتاب خود تحت عنوان افق‌های نوین حقوق جزا (۱۸۸۱)<sup>۱</sup> پیشنهاد می‌کند. از آزادی خرید و فروش است. زیرا از افزایش غیرعادی قیمت‌ها جلوگیری می‌کند. پیشنهاد دیگری لغو انحصار به منظور مبارزه با قاچاق، است. همچنین وضع مالیات بر ساخت الکل، جانشین کردن طلا یا نقره به جای اسکناس یا یک سکه معمولی به منظور تشخیص جعلی بودن پول، ساخت خانه‌های ارزان قیمت، ایجاد کوچه‌ها و بهبود روشنایی خیابان‌ها، و در نهایت آموزش اندیشه‌های مالتوس جزء پیشنهادات فری بود. وی معتقد بود برای جلوگیری از سقط جنین و نوزادکشی، باید شرایط ازدواج سخت شود، بچه‌های نامشروع، پذیرفته شوند، بر کارخانه‌های اسلحه‌سازی، نظارت شود. به‌منظور جلوگیری از دوئل قضایی، هیأت‌های منصفه تشکیل شود، زیارت از مکان‌های مقدس لغو شود تا از سرقت و به‌ویژه جرایم عفافی، کاسته شود، از راهپیمایی دسته‌جات مذهبی جلوگیری شود تا مشاجره و زد و خورد بوجود نیاید، محل‌هایی برای نگهداری بچه‌های فراری ایجاد شود امری که هم‌اکنون در قالب خانه‌های ریحانه و خانه‌های سبز در ایران رواج دارد از ورود جوانان به جلسات محاکم در دادگاه‌ها جلوگیری شود و شد.

ملاحظه می‌شود که آقای فری هم در چارچوب اقدامات فردی و هم در قالب اقدامات دفاع جمعی، پیشگیری از جرم را پیش‌بینی می‌کند.<sup>۲</sup> این بینش بعد از ۷۰ سال، در دیدگاه مکتب دفاع اجتماعی نوین متجلی شد. در سیاست جنایی بعضی کشورها، پیشگیری از جرم از دیدگاه موسع تبعیت می‌کند.

در فرانسه چهار اقدام به عنوان اقدام دفاع جمعی پیش‌بینی شده: ۱. حمایت از بزه‌دیدگان؛ ۲. اقدامات میانجی‌گرانه؛ ۳. توسعه خدمات عام‌المنفعه ۴. توسعه اجتماعی شهرها.

### ۳-۱-۲- مفهوم مضیق پیشگیری

امروزه جرم‌شناسی پیشگیرانه، در چارچوب مفهوم مضیق از پیشگیری قرار می‌گیرد. پیشگیری در این مفهوم، مجموعه وسایل و ابزارهایی است که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از دو طریق مورد استفاده قرار می‌دهد: ۱. از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا؛ ۲. از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی که به نوبه خود فرصت‌های مناسبی را برای ارتکاب جرم ایجاد می‌کنند. در این تعریف، پیشگیری از تکرار جرم مورد نظر ما نیست. اقداماتی که اشاره می‌شود، ناظر به قبل از ارتکاب جرم است. بنابراین، مجازات، صدور حکم کیفری و اجرای مجازات از شمول مفهوم پیشگیری خارج می‌شود. پیشگیری یکی از وسایل و امکانات سیاست جنایی برای کنترل جرم است. به عبارت دیگر، در کنار پیشگیری خارج از نظام کیفری از جرم (پیشگیری غیرکیفری از بزهکاری)، پیشگیری کیفری نیز وجود دارد. اما این پیشگیری کیفری از شمول پیشگیری موردنظر جرم‌شناسی خارج است. چرا که با این که ارباب ناشی از مجازات بی‌تردید جنبه پیشگیرانه دارد، لیکن این امر مدنظر ما نمی‌باشد، بلکه آن پیشگیری مدنظر ماست که خارج از دستگاه قضایی و پلیس قضایی به اجرا درمی‌آید.

به عنوان نتیجه‌گیری، کیفر و رسالت‌های آن، بازپروری مجرم، کیفرزدایی، اصلاح بزهکاری و جایگزین‌های مجازات سالب آزادی، از آنجا که جملگی در چهارچوب نظام قضایی اعمال می‌شوند، از شمول مفهوم مضیق خارج می‌باشند و در چهارچوب مفهوم موسع قرار می‌گیرند. بحث ما مفهوم مضیق پیشگیری است.

۱- عنوان این کتاب در چابهای بعدی «جامعه‌شناسی جنایی» شد.

۲- برای اطلاعات بیشتر در زمینه اندیشه‌های انریکو فری ر.ک: ژان پرادل، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه ع.ح. نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۹۴ الی



## ۳-۲- معنای لغوی و اصطلاحی پیشگیری

پیشگیری یک معنای لغوی و یک معنای علمی و اصطلاحی دارد. معنی لغوی آن دو چیز است: ۱. جلو وقوع چیزی را گرفتن؛ ۲. هشدار در مورد وقوع چیزی.

در معنای اول، یعنی به استقبال چیزی رفتن. ممکن است جرم‌شناسی پیشگیرانه همراه با روش‌های مختلفی بکار گرفته شود. در این صورت هشدار نسبت به وقوع جرم، می‌تواند به‌عنوان یک فن پیشگیری بکار آید. مثلاً هشدار به مردم در حفاظت از اتومبیل‌ها. از این رو، هشدار یک نوع تدبیر فنی است که در بسیاری از موارد پیشگیری می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. اما آنچه که در اینجا مدنظر ماست، معنای اول آن می‌باشد.

از نظر علمی و اصطلاحی، مفهوم پیشگیری به مفاهیم مختلفی تعلق دارد. یعنی ترکیبی از تئوری و تجربه است. در ابتدا پیشگیری به صورت نظری مطرح می‌شد. فری پیشنهادهایی در زمینه دفاع جمعی در مقابل بزهکاری - که در واقع طرح تغییر جامعه است - را پیشنهاد می‌کند؛ یعنی عرف و عادات باید دگرگون شود. پاره‌ای از این نظریات کم و بیش به اجرا گذاشته شده و تجربه می‌شوند. به دنبال این تجربه، ارزیابی تأثیر این تجربیات مطرح می‌شود. به دنبال ارزیابی این تجربیات، امکان اصلاح و جرح و تعدیل نظریه قبل فراهم می‌شود و به این ترتیب، مفهوم پیشگیری یک مفهوم منطقی و عملی است.

## ۳-۳- عناصر فرضیه پیشگیری از بزهکاری

با توجه به این توضیح می‌خواهیم بررسی کنیم که پیشگیری از بزهکاری بر چه فرضی استوار است. این فرضیه آنست که امکان تأثیرگذاری بر رفتار و کردار مردم با استفاده از تدابیر معین و مشخص به منظور اجتناب از وقوع رفتارهای مجرمانه وجود دارد.

## ۷۵۲ مباحثی در علوم جنایی

این فرض سه عنصر اساسی دارد:

- ۱- در رفتارهای بشری امکان ارتکاب رفتارهای مجرمانه وجود دارد؛
- ۲- برای اجرای پیشگیری، می‌بایست عده‌ای تمایل به ارتکاب جرم داشته باشند؛
- ۳- امکان دور کردن فرد از رفتارهای مجرمانه از طریق توسل به برخی اقدامات و تدابیر وجود دارد.

## ۳-۴- اوصاف تدابیر خاص پیشگیرانه (خصایص تدابیر پیشگیرانه)

- ۱- تدبیر یا اقدامی پیشگیری از بزهکاری است<sup>۱</sup> که هدف انحصاری آن تضمین جلوگیری از وقوع جرم باشد. یعنی این اقدامات بر عوامل یا فرآیندهایی که منجر به وقوع جرم می‌شوند، تأثیر قاطع بگذارد.
- ۲- تدابیر باید خطاب به جمعی از مردم باشد، بنابراین، اقداماتی پیشگیرانه محسوب می‌شوند که جمعی باشند. اقدامات فردی مورد بحث ما نیست. اقدام فردی در بحث اصلاح و درمان و جرم‌شناسی بالینی مورد توجه قرار می‌گیرد.
- ۳- لازم است قبل از ارتکاب جرم، یعنی قبل از اینکه حالتی تبدیل به جرم شود، اعمال گردد.
- ۴- خصیصه چهارم این اقدامات آن است که چون قبل از وقوع جرم مورد استفاده قرار می‌گیرند، فاقد خصیصه قهرآمیز و الزام‌آور می‌باشند.

## ۴- تعریف پیشگیری از جرم و محدوده آن

با توجه به معیارهای گفته شده، می‌توانیم پیشگیری را تعریف کنیم:

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک.: خیرالله تیموری، درآمدی بر پیشگیری از وقوع جرم، مرکز

تحقیقات فقه قضائیه قم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۶، سال ۱۳۷۸.

## جرم‌شناسی ۷۵۳

«مجموعه اقدام‌های سیاست جنایی به استثنای اقدام‌های کیفری، که غایت و هدف انحصاری یا لاقفل جزئی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه‌ای از جرایم باشد.»

محدود کردن امکان وقوع جرم از سه طریق امکان‌پذیر است:

۱- غیر ممکن کردن ارتکاب جرم؛

۲- اجتناب کردن از ارتکاب جرایم؛

۳- کاهش احتمالات ارتکاب آن جرایم؛

این تعریف دارای چند رکن می‌باشد:

۱- مجموعه اقدامات به استثناء اقدامات کیفری؛

۲- هدف مطلق و نسبی پیشگیرانه جرایم؛

۳- مجموعه‌ای از جرایم.

## ۴-۱- تفکیک پیشگیری از نظام کیفری

نظام کیفری و مداخله آن به‌مناسبت وقوع جرم، از شمول پیشگیری خارج است. زیرا پیشگیری یک امر کنشی است و جلوی ارتکاب جرم را می‌گیرد، حال آنکه نظام کیفری ماهیتاً بعد از وقوع جرم مداخله می‌کند و جنبه واکنشی دارد.

مداخله نظام کیفری، اعمال مجازات، حضور پلیس در جامعه و تشریفات دادرسی قضایی نیز بی‌تردید در پیشگیری از جرم نقش دارد، لکن این پیشگیری کیفری ناشی از عبرت‌آموزی مجازات‌هاست که در قالب جرم‌شناسی حقوقی قابل توجه است. حال آنکه در پیشگیری، اقداماتی مدنظر است که قبل از وقوع جرم بکار گرفته می‌شوند.

پیشگیری فردی از تکرار جرم نیز از شمول جرم‌شناسی پیشگیرانه خارج است. به‌عبارت دیگر، پیشگیری فردی از جرم‌زمانی اعمال می‌شود که محکومیتی صورت گرفته و به‌دنبال جلوگیری از سقوط مجدد محکوم‌علیه در ورطه بزهکاری اعمال

## ۷۵۴ مباحثی در علوم جنایی

می‌شود. کلیه اقداماتی که نسبت به افراد در معرض خطر ارتکاب جرم هم اجرا می‌شود، در قالب جرم‌شناسی بالینی قرار می‌گیرد. خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان<sup>۱</sup> و امداد‌رسانی نیز در چارچوب جرم‌شناسی پیشگیرانه قرار نمی‌گیرد. زیرا این اقدامات بعد از وقوع جرم صورت می‌گیرد. کمک‌رسانی به بزه‌دیده در جهت بازپروری مجنی‌علیه اعمال می‌شود و این هم در چهارچوب جرم‌شناسی بالینی صورت می‌گیرد. تاکنون با درمان و بازپروری مجرمین آشنا بودیم. اما پس از تولد بزه‌دیده‌شناسی، بازپروری قربانیان مستقیم هم مطرح شده است.

در چهارچوب حقوق جزا و به‌عنوان حقوق‌فدان، با نهاد خسارت مادی و معنوی آشنا بودیم. لیکن به اشتباه رفع آلام روانی مجنی‌علیه را نیز جزء خسارات معنوی محاسبه می‌کردیم. حال آنکه از دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی آنست که مشکلات روحی که بعضی از جرایم برای بزه‌دیدگان ایجاد می‌کنند، باید به خسارات معنوی و مادی بزه‌دیده نیز اضافه شود.

شخصی که مورد تجاوز به‌عنف قرار گرفته، خسارت معنوی و مادی آن معلوم است. اما خسارت روحی و روانی وی نیز مطرح می‌شود. بدین ترتیب، چنین قربانی حداقل به اندازه مجرم دچار اختلال روحی و روانی شده است. لذا بحث درمان و بازپروری بزه‌دیدگان جرایم مطرح شده است و بر این اساس باید قربانیان جرم نیز مشمول حمایت قرار گیرند.

سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای در دسامبر ۱۹۸۵، مشهور به اعلامیه اصول اساسی عدالت راجع به قربانیان بزهکاری و سوءاستفاده از قدرت، بر جبران خسارت روحی و روانی تأکید کرده است.

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری، انتشارات خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱ و همچنین ژرار لیز - ژینا فیلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند، احمد محمدی، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۷۹.

## جرم‌شناسی ۷۵۵

از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه، ترمیم خسارت قربانیان، در قالب جرم‌شناسی پیشگیرانه قرار نمی‌گیرد. پیشگیری از بزه‌دیدگی نیز وجود دارد. ترمیم خسارت بزه‌دیدگان اگر چه در نهایت از وقوع جرایم جلوگیری می‌کند، ولی مشمول جرم‌شناسی پیشگیرانه قرار نمی‌گیرد.

پیامد چهارم از تفکیک فوق اینست که شیوه‌های معمول در سیاست جنایی، یعنی جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی نیز از جرم‌شناسی پیشگیرانه جدا می‌باشند. کاهش تعداد جرایم در قانون، لاجرم تعداد آنها را کم می‌کند، اما کیفرزدایی و قضازدایی، در جرم‌شناسی حقوقی بحث می‌شود.

### ۴-۲- تفکیک پیشگیری از اقدامات رفاه‌بخش

اقدامات رفاه اجتماعی، تدابیری هستند که هدف آنها بهبود زندگی در جامعه است. بهبود زندگی از طریق ایجاد گشایشهای مادی برای افراد بی‌بضاعت و تأمین نیازهای مادی و معنوی برخی گروه‌ها صورت می‌گیرد. هر چند این اقدامات به‌طور غیرمستقیم می‌تواند اثر پیشگیرانه داشته باشد، اما خصیصه پیشگیرانه را ندارد و در چارچوب یک سیاست کلی‌تر در جامعه قرار می‌گیرد که ارزیابی اعتبار و ارزش آن از نظر پیشگیری بسیار دشوار است. اقدام‌های اجتماعی ای، مصداق جرم‌شناسی پیشگیرانه هستند که هدف انحصاری یا جزئی آن اختصاصاً به پیشگیری مربوط می‌باشد.

### ۴-۳- تفکیک پیشگیری از کنترل بزهکاری

اما تردید موجود در تعریف پیشگیری آن است که آیا کنترل و نظارت رانیز در برمی‌گیرد؟ آیا گشت‌های پلیسی در خیابان‌ها که در مقام کنترل مردم است، می‌تواند پیشگیری محسوب شود یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال، دو جهت‌گیری وجود دارد:

## ۷۵۶ مباحثی در علوم جنایی

عده‌ای عقیده دارند گشت‌های پلیس بیشتر جنبه حفظ نظم دارد و از طرف دیگر پلیس یادآور نظام کیفری و دستگاه قضایی است. از این رو، این فعالیت‌ها از شمول پیشگیری خاص موردنظر ما خارج است.

اما عده‌ای دیگر عقیده دارند گشت‌های پلیس فی نفسه می‌تواند از وقوع بعضی جرایم جلوگیری کند. لذا قابل تشبیه به پیشگیری است. بر هر جرمی یک اوضاع و احوالی حاکم است. بزه‌دیده، جزئی از این اوضاع و احوال ناظر به ارتکاب جرم است که از آن به‌عنوان وضع ماقبل بزه نام برده می‌شود. لذا گروه اخیر عقیده دارند حضور پلیس، اوضاع و احوال ارتکاب جرم را به نفع بزه‌دیده و علیه مجرم تغییر می‌دهد، و به این ترتیب، لااقل در همان محل از وقوع جرم جلوگیری می‌شود. بنابراین، معتقدند پلیس و گشت‌های کنترل‌کننده، رکنی از پیشگیری وضعی است. زیرا در پیشگیری وضعی فرض بر این است که بزهکار به‌دنبال یک سلسله محاسبات و هزینه‌هایی است که ارتکاب جرم برای او دارد و بر این اساس تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد. از نظر کیفری نیز باید مجازات معادلات مجرم را بهم بزند.

## ۵- انواع پیشگیری

ارائه تعریف از پیشگیری این امکان را به ما می‌دهد انواع اقداماتی را که برای پیشگیری از جرم لازم است را طبقه‌بندی کنیم، چرا که ماهیت این اقدامات یکسان نیست. بنابراین، در چارچوب جرم‌شناسی پیشگیرانه، با عنایت به معیارهای مختلف، پیشگیری را به ۶ دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند.

این تقسیمات گاه به‌خاطر برداشت مضیق و گاه برداشت موسع از پیشگیری است که بعضاً با یکدیگر تداخل نیز دارند:

## ۱-۵- طبقه‌بندی اول: پیشگیری بر اساس معیار سن

۱- قدیمی‌ترین و شاید مهمترین پیشگیری، بر اساس سن می‌باشد. البته علت این تفکیک به‌خاطر اهمیتی است که سن در مطالعات جرم‌شناسی دارد. سن یک متغیر ذاتی است که در جرم‌شناسی به دوره‌های مختلف تقسیم شده است و تبعات آن مشخص گردیده است. از آنجا که اطفال از لحاظ شخصیتی در حال شکل‌گیری بوده و استعداد جامعه‌پذیری دارند، برای جلوگیری از بروز رفتارهای منحرفانه در آنها، لازم است اقدامات خاصی در نظر گرفته شود.

جالب اینکه سازمان ملل نیز در مجمع عمومی سال ۱۹۹۰، قطعنامه‌ای تحت عنوان اصول راهبردی ناظر به پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان تصویب کرد. این قطعنامه، به قواعد ریاض<sup>۱</sup> نیز مشهور است. زیرا متن این قطعنامه در یک کنفرانس بین‌المللی در ریاض تصویب شد.

قواعد پکن است که مربوط به آیین دادرسی اطفال می‌باشد.<sup>۲</sup>

مسئله پیشگیری از جرایم اطفال، با توجه به طبیعت خاص آنها، مشمول اقدامات خاصی می‌شود. بر اساس کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) که مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۲ آن را به تصویب رساند، طفل به کسی گفته می‌شود که کمتر از ۱۸ سال کمتر داشته باشد. در همان کنوانسیون ذکر شده است «مگر اینکه این سن بر اساس شرایط مقرر توسط دولتها بطور دیگری تعیین شده باشد».

<sup>۱</sup> Riad Rules

<sup>۲</sup> - برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رک. عباچی مریم، حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، چاپ اول، سال ۱۳۷۹ و همچنین از همین نویسنده طرح پژوهشی تحت عنوان: بررسی خلاءهای قانونی در خصوص پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران با توجه به اسناد سازمان ملل متحد، دفتر تحقیقات و پژوهش‌های قضایی معاونت آموزش و تحقیقات فوه قضائیه، سال ۱۳۸۰.

## ۷۵۸ مباحثی در علوم جنایی

مجلس یک حق رزرو برای خود قائل شد با این مضمون که این کنوانسیون مادامی که مخالف موازین شرعی نباشد قابل اجراست.

در قانون آیین دادرسی کیفری مهر ۱۳۷۸ در فصل مربوط به جرایم اطفال قانونگذار قدمی برداشته است که افراد زیر ۱۸ سال را مشمول دادرسی خاصی قرار داده است. هر چند بلوغ همان بلوغ شرعی است لیکن افراد زیر ۱۸ سال طبق قانون آ.د.ک در دادگاههای عمومی خاص محاکمه می‌شوند. در عمل شعبی که به جرایم اطفال اختصاص داده شده، این افراد را مشمول اقداماتی قرار می‌دهند که اطفال زیر سن بلوغ را به آن اقدامات می‌گمارند<sup>۱</sup>.

در همین طبقه‌بندی، پیشگیری عمومی را از پیشگیری اطفال جدا می‌نمایند.

## ۲-۵- طبقه‌بندی دوم: پیشگیری عام و خاص

منظور از پیشگیری عام یک سلسله اقدامات است که علیه عوامل جرم‌زا به کار می‌رود. پیشگیری خاص شامل یک سلسله عوامل برای یک جرم خاص است.

## ۳-۵- طبقه‌بندی سوم: پیشگیری انفعالی و پیشگیری فعال

پیشگیری انفعالی در واقع نوعی هشدار و اخطار به جامعه برای جلوگیری از قربانی شدن و بزه‌دیدگی است. هشدار به جامعه برای مصون‌سازی خود در مقابل جرم، یک فن و روش در جلوگیری از وقوع جرم است. بنابراین، اخطار در مورد جرم همراه با اقدامات عملی نیست، یعنی از وقوع جرم جلوگیری نمی‌شود و فقط همین هشدار کفایت می‌کند. در پیشگیری فعال جهت جلوگیری از وقوع جرم عملاً اقدامات مثبتی،

۱- برای آگاهی بیشتر از وضعیت اطفال در ایران رک. رایجیان اصلی مهرداد، موقعیت اطفال بزه‌کار -

بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضایی، ش

را انجام می‌شود. در سال ۱۹۶۳، در یکی از اجلاس پلیس بین‌المللی، این طبقه‌بندی مطرح شد. تفاوت دیگری که بین این دو نوع طبقه‌بندی وجود دارد، این است که در پیشگیری انفعالی به دادن هشدار کفایت می‌کنند و این هشدار ناظر به کسانی است که بالقوه استعداد قربانی شدن جرم را دارند و در واقع یک نوع اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان جرم است و شاید بتوان گفت که این نوع پیشگیری، یک نوع پیشگیری از قربانی شدن جرم است<sup>۱</sup> در حالی که در پیشگیری فعال اقدامات جامعه عملی می‌گردد.

#### ۵-۴- پیشگیری بر اساس الگوی پزشکی

بر اساس الگوی معمول در پزشکی که به سطوح سه گانه پیشگیری نیز معروف است. این مباحث برای نخستین بار در سال ۱۹۶۷ وارد بحث‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه شد. این الگو شامل پیشگیری اولیه، ثانویه و سوم است. پیشگیری اولیه شامل اقداماتی می‌شود که جهت‌گیری آن بر هم زدن اوضاع و احوال جرم‌زا در محیط فیزیکی و اجتماعی است. پیشگیری ثانویه یا سطح دوم، عبارتست از مداخله در حالت‌های خطرناک. مداخله در حالت‌هایی که در آستانه وقوع جرم قرار دارد. غایت این پیشگیری، تشخیص محل و وضعیتی است که در فراهم کردن زمینه جرم نقش فعالی دارد. این پیشگیری که در آستانه ارتکاب جرم است، مربوط به حالتی است که جرم در شرف وقوع است.

پیشگیری سطح سوم، تدابیری است که برای مهار آثار انفجار، بحران و انفجار حالت خطرناک اعمال می‌شوند، یعنی زمانی که جرم محقق شده حالت خطرناک به حالت مجرمیت تبدیل شده است، فلذا اقداماتی در مقام جلوگیری از استمرار حالت مجرمیت، به منظور خنثی کردن آثار آن بکار گرفته می‌شود.

#### ۷۶۰ مباحثی در علوم جنایی

پیشگیری سطح اول و دوم، در جرم‌شناسی پیشگیرانه مطرح می‌شود. در حالی که پیشگیری سطح سوم مربوط به جرم‌شناسی بالینی است. این نوع پیشگیری‌ها در سازمان بهزیستی مورد توجه قرار گرفته و در این سازمان مراکزی به نام مراکز مداخله قبل از بحران و مراکز مداخله بعد از بحران. به عبارت دیگر، در این سطوح سه‌گانه به نحوی کار می‌شود.

در قالب سطوح سه‌گانه ما، انواع دیگر پیشگیری را نیز می‌بینیم، یعنی پیشگیری اولیه و ثانویه نوعی پیشگیری اجتماعی از جرم است. اصلاح نهادهای اجتماعی، ایجاد ساختارهای جدید اجتماعی، بهبود شرایط زندگی و زیستی افراد، همه در آنچه که بعداً نام آن را پیشگیری اجتماعی خواهیم گذاشت، مورد توجه واقع می‌شود. پیشگیری سطح سوم، یعنی جلوگیری از تکرار جرم، به پیشگیری از تکرار جرم بزرگ‌سالان و کودکان تقسیم می‌شود.

#### ۵-۵- طبقه پنجم: پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی

رایج‌ترین طبقه‌بندی از پیشگیری، پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم است. از نظر جرم‌شناسی، پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است. یعنی پیشگیری اجتماعی از جرم، مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. عوامل اجتماعی باید این عوامل جرم‌زا را خنثی کند. عوامل محیط اجتماعی عمومی و شخصی، نقش عمده‌ای در بزه‌کاری دارند. پیشگیری اجتماعی، یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی و شخصی. محیط اجتماعی عمومی مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی که نسبت به همه مشترک است. محیط اجتماعی شخصی مانند محله، خانواده و .....

## جرم‌شناسی ۷۶۱

در پیشگیری وضعی،<sup>۱</sup> که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری است، ما با فرآیند گذار از اندیشه به عمل (acting out) مواجه هستیم و درصدد تغییر وضعیت مشرف بر جرم هستیم تا معادله جرم به ضرر مجرم شود. به عبارت دیگر، هدف اتخاذ اقداماتی است که فرآیند گذار از اندیشه به عمل را قطع کند.

پیشگیری اجتماعی مربوط به عوامل جرم‌زاست که به دو گونه عمل می‌شود: اول: شناسایی عوامل جرم‌زا، دوم: ساماندهی اقداماتی که هدفشان کانالیزه کردن و هدایت آثار این عوامل از طریق خنثی کردن و کنار زدن آنها می‌باشد.

در پیشگیری وضعی اندیشه اساسی اینست که گذار به عمل مجرمانه نه فقط به انگیزه‌های مجرم بستگی دارد، بلکه به خصوصیات وضعی، شرایط موضعی، شرایط موجود در اوضاع و احوال قبل از جرم نیز بستگی دارد. هدف، چیره شدن به اوضاع قبل از جرم است که فرد را در آستانه جرمی قرار داده است. به عبارت دیگر بهم زدن وضعیت ماقبل بزهکاری یا انجام تدابیری در آن وضعیت. این اقدامات عبارتند از:

### اول - تقلیل وضعیت‌های ماقبل جرم؛

دوم - اعمال اقداماتی که منجر به بالا رفتن هزینه کیفری جرم برای مجرم بشود، یعنی مجرم از جرم خود سود نبرد.

در پیشگیری وضعی دو جهت‌گیری وجود دارد: ۱- مداخله در وضعیت ماقبل جرم ۲- ایمن‌سازی اهداف جرم، یعنی اقداماتی که از بزه‌دیدگی افراد جلوگیری می‌کند.

## ۷۶۲ مباحثی در علوم جنایی

پیشگیری وضعی دو شکل دارد: ۱- جلوگیری از مجرم شدن افراد از طریق اعمال اقداماتی به‌منظور جلوگیری از ارتکاب جرم، ۲- پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد از طریق مصون‌سازی اموال و جانیشان.

در پیشگیری وضعی، از بزه‌دیده شناسی صحبت می‌شود. بزه‌دیده، در شق دوم این پیشگیری، خود عامل جرم‌زا است و یک فرد مظلوم و بیگناه نیست.

## ۶-۵- طبقه‌بندی ششم: پیشگیری دفاعی و پیشگیری رهایی‌بخش یا

### آزادی‌بخش

پیشگیری دفاعی یعنی پیشگیری از جرم از طریق ایجاد رعب و عبرت و طرد مجرم. پیشگیری رهایی‌بخش اقداماتی است که در جهت جذب و ادغام مجرم صورت می‌گیرد. مجرم از تبعات جرم آزاد می‌شود و به این ترتیب، فرد از دنیای جرم جدا می‌شود.

طبقه‌بندی دیگری نیز از پیشگیری ارائه شده است: پیشگیری دفاعی و پیشگیری تهاجمی.

در پیشگیری دفاعی، جامعه در مقابل یک مسأله و یک عامل و آثارش از نظر جرم، از خود دفاع می‌کند و می‌خواهد به آن عامل خاتمه دهد. این نوع پیشگیری از این زاویه می‌تواند بعضی از پیشگیری‌های ماقبل خود را دربرگیرد.

پیشگیری تهاجمی، ناشی از ترس و وحشت از یک مسأله و یا وضعیت خاص نیست. بلکه بر اساس امکانات موجود و اعتمادی که جامعه به این امکانات و افراد دارد، نسبت به عوامل جرم‌زا اقدام می‌کند. در واقع یک نوع اعتماد به نفس در جامعه وجود دارد.

پیشگیری دفاعی تا اندازه‌ای شبیه پیشگیری فعال و پیشگیری تهاجمی شبیه پیشگیری انفعالی است.

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، شماره ۲۰-۱۹ و همچنین، : دنیس رزنام - آرنو، لورسیو - روبرت داوینس، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۷۹

## ۶- تفاوت جرم‌شناسی انتقادی با مفاهیم مشابه

جرم‌شناسی حقوقی را بعضاً جرم‌شناسی انتقادی نیز نامیده‌اند. زیرا در جرم‌شناسی حقوقی، بیان عملکرد نظام حقوقی را بررسی می‌کنیم. جرم‌شناسی بعد عملی جرم و حقوق جزا بعد حقوقی جرم را بررسی می‌کند. لذا بهتر است به آن جرم‌شناسی انتقادی بگوئیم و جرم‌شناسی حقوقی چندان صحیح نیست.

جرم‌شناسی انتقادی و جرم‌شناسی رادیکال از یکدیگر جدا هستند. جرم‌شناسی انتقادی قسمتی از جامعه‌شناسی کیفری است. بدین معنا که در جامعه‌شناسی کیفری از دیدگاه جامعه‌شناسی ما بیان نهادهای حقوق جزا را در دنیای عمل بررسی می‌کنیم. در جرم‌شناسی رادیکال با توجه به شیوه فکری این مکتب که مارکسیستی است، برخورد بنیادگر وجود دارد. این جرم‌شناسی مخالف قوانین جزا و آیین دادرسی کیفری به شکل متعارف فعلی است. جامعه‌شناسی جنایی رشته‌ای از جرم‌شناسی اختصاصی است. یعنی جرم از زوایای اجتماعی بررسی می‌شود. در اینجا علت جرم در محیط و جامعه بررسی می‌شود. جامعه‌شناسی کیفری رشته‌ای از جامعه‌شناسی حقوقی است که موضوع آن مطالعه رسیدگی، کیفر، سازمان و تشکیلات قضایی از نظر جامعه‌شناسی است. مثلاً در امر تعقیب کیفری در مرحله دادرسی دو اصل وجود دارد: اصل قانونی بودن و اصل مفید بودن تعقیب. در کشورهایی مثل فرانسه که اصل مفید بودن را پذیرفته‌اند دادستان در جرایم جنحه‌ای سبک، این اختیار را دارد که با مصلحت‌اندیشی اجتماعی و حتی فردی و سیاسی، از تعقیب یک جرم خودداری کند یا قرار میانجیگری صادر کند. اما در جامعه‌شناسی کیفری، پژوهش‌گر محقق در مقام نحوه استنباط قضات از این اصل است و اینکه دادستان‌ها در شهرهای مختلف چه استنباطی از این اصل دارند و تا چه اندازه از این اختیارات استفاده می‌کنند.

در جامعه‌شناسی کیفری، تأسیس حقوقی در دنیای عمل را بررسی می‌کنند. در دایره سیاست جنایی، جامعه‌شناسی کیفری همان برآورد سیاست جنایی قضایی و

سیاست جنایی اجرایی است. یعنی دو شیوه استنباط از مقررات تقنینی، حال آنکه در جامعه‌شناسی جنایی بررسی علل جرم در محیط و جامعه مطرح است.

جرم‌شناسی رادیکال یا انقلابی یا بنیادگرا، در واقع کل نظام کیفری موجود را زیر سؤال می‌برد. این نوع جرم‌شناسی، نظام کیفری فعلی را طبقاتی می‌داند، زیرا فقط منافع یک طبقه را تأمین می‌کند. این جرم‌شناسی، در مقابل جرم‌شناسی حقوقی که شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی است، قرار می‌گیرد.

در جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، یک نوع انقطاع کامل با جرم‌شناسی کلاسیک وجود دارد. در جرم‌شناسی کلاسیک، جرم نتیجه سوء رفتارهای فردی و اجتماعی است. در این جرم‌شناسی از یک طرف باید به مجرم به دیده بیمار نگاه کرد و از سوی دیگر باید در مقام سرکوبی بزهکاران خطرناک برآمد. دستگاه عدالت کیفری به پدیده جرم دامن می‌زند. لذا نظام کیفری، از قانونگذاری گرفته تا مرحله اجرای مجازات، باید دستخوش تغییرات و اصلاحات گردند.

جرم در جرم‌شناسی رادیکال، فعل یا ترک فعلی است که حقوق مدنی و سیاسی مردم را نقض کرده می‌باشد. طرفداران این دیدگاه معتقدند پدیده استثمار و استعمار باید جرم تلقی گردد. طبق این تعریف، یک نگرش کلان نسبت به جرم وجود دارد. نگرش قانونگذار کافی نیست، زیرا یک نگرش خرد است و نه کلان. حقوق جزا باید طوری برخورد نماید که تعقیب بزهکاران یقه‌سفید نیز ممکن باشد. یکی از پیشنهادات جرم‌شناسی رادیکال این بود که دولت آمریکا را باید به لحاظ جنگ افروزی در ویتنام محاکمه کرد.

در "جرم‌شناسی تعامل‌گرایی" عقیده بر این است که رفتار جامعه، دستگاه پلیس و دستگاه قضایی نسبت به افراد، آنها را وامی‌دارد که شخصیت و رفتاری را پیشه خود کنند که پلیس و دستگاه قضایی می‌خواهد. یعنی رفتار مجرمین برآیند رفتار دیگران است. فرد در جامعه شخصیتی از خود نشان می‌دهد که جامعه از وی توقع دارد.

## جرم‌شناسی ۷۶۵

جامعه می‌تواند در رفتار ما خود را ملاحظه کند. مثلاً بزهکاران بدون سابقه یا کسانی که به خاطر اشتباه قضایی محکوم می‌گردند یا بزهکارانی که در گزینش پلیسی و یا گزینش قضایی در صافی این دو مرحله متوقف و محکوم می‌شوند، این قبیل افراد با پدیدهٔ برچسب خوردن مجرمانه مواجه می‌شوند که به تدریج خود را به عنوان یک مجرم احساس می‌کنند و لذا رفتاری را پیشه می‌کنند که یک مجرم پیشهٔ خود ساخته است. هر چه مدت اقامت این افراد در دستگاه قضایی و پلیس بیشتر باشد، در کسب هویت مجرم و بزهکار راحت‌تر عمل می‌کنند و از برچسب مجرمانه را راحت‌تر می‌پذیرند. در مورد مجرمین بدون سابقه، به لحاظ رفتار گزینشی دستگاه قضایی، بخشی از آنها به مجرمینی مکرر تبدیل می‌شوند. تکرار جرم حاصل رفتار دستگاه قضایی است.

تعریف «جرم‌شناسی سازمانی» عبارت است از مطالعه تطبیقی بیان عملکرد یک تأسیس کیفری با هزینه و امکانات انسانی که به آن تأسیس و نهاد کیفری اختصاص داده شده است. در بیان زندان، برون‌داد عملکرد زندان را با بهایی که زندان برای جامعه داشته است مقایسه می‌کنیم و با توجه به نتیجه حاصله، در زندان‌زدایی، جانشین‌های زندان را پیدا می‌کنیم یا در جهت اصلاح زندان و یا حذف زندان‌های کوتاه مدت عمل می‌کنیم. مثلاً قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب حدود ۶ سال است که اجرا شده است. نویسندگان این قانون معتقد بودند که این قانون موجب تسریع محاکمه خواهد شد. در جرم‌شناسی سازمانی، ما عملکرد دادگاه‌های عمومی را با توجه به هزینه اقتصادی و انسانی مقایسه می‌کنیم و در نتیجه تدابیر لازم را مورد توجه قرار می‌دهیم. یکی از نتایج جرم‌شناسی سازمانی در آمریکا رویکرد خصوصی کردن زندان‌ها، زندان‌های خانگی و حذف زندان‌های کوتاه مدت است. زیرا بیان زندان‌ها مویذ تکرار جرم است. لذا بودجه اختصاصی و نتیجه بدست آمده سنخیت نداشت.

## ۷۶۶ مباحثی در علوم جنایی

در جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناسی بحث بر این موضوع است که مجازات یا واکنش علیه جرم باید بیش از پیش تابع منافع و حقوق زیان‌دیده باشد. کیفر و واکنش جامعه، تعقیب، یا عدم تعقیب باید تابعی از خواسته و نظرات و مشکلات مجنی‌علیه باشد. در اینجا هدف، حمایت از مجنی‌علیه است و این امر در فرآیند کیفری یعنی رسالت دادن به خواسته‌ها و دغدغه‌های مجنی‌علیه از زمان دستگیری تا اجرای حکم<sup>۱</sup>. بزه‌دیده‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از جامعه‌شناسی کیفری تلقی می‌گردد.

در کنار بزه‌دیده‌شناسی حمایتی که معتقد است دستگاه عدالت کیفری باید بیشتر منافع مجنی‌علیه را تأمین کند تا جامعه، شاخه‌ای از بزه‌دیده‌شناسی مطرح شده که موضوع مطالعه آن شخصیت مجنی‌علیه و سهم وی در ارتکاب جرم است. این شاخه اخیر از بزه‌دیده‌شناسی، می‌تواند رشته‌ای از جرم‌شناسی باشد، در حالی که شاخه اول بیشتر به جامعه‌شناسی کیفری مربوط است.

مطالب فوق بدین جهت بود که اگر در جایی با جرم‌شناسی انتقادی مواجه شدید، بدانید که به معنای جرم‌شناسی حقوقی است. بحث جدید بعد از بررسی مفاهیم پیشگیری و انواع آن، توجیه پیشگیری است. چرا پیشگیری لازم است؟ حقوق پیشگیری چیست؟

## ۷- فایده و امکان پیشگیری

پیشگیری از بزهکاری به تولد جرم‌شناسی برمی‌گردد، خصوصاً به دیدگاه‌های انریکو فری. بر اساس دیدگاه‌های فری، پیشگیری از جرم همانقدر اهمیت دارد که سرکوبی جرم، تا آنجا که وی هم عرض‌های کیفر، جانشین‌ها و قائم‌مقام‌های کیفری را مطرح می‌کرد. سرکوبی صرف کافی نیست. بدین ترتیب، فری جمله معروف «پیشگیری بهتر از سرکوبی است» را مطرح کرد.

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، همان



امروزه حقوق‌دانان جزم‌گرا و نیز بعضی از دولت‌مردان انتقادهایی به پیشگیری مطرح کرده‌اند و معتقدند که پیشگیری توجیه علمی ندارد. بحث این است که آیا اینها صحیح است یا خیر؟

پیشگیری را در دو بحث مطرح می‌کنیم: اول - آیا پیشگیری مفید است یا خیر؟ دوم - آیا در عمل پیشگیری ممکن است یا خیر؟

### ۷-۱- فایده پیشگیری

در خصوص فائده توسل به پیشگیری دو دیدگاه مطرح شده است. یکی دیگر اعتقاد دارد سرکوبی صرف نه تنها کارآیی و فایده لازم را نداشته، بلکه ضرر هم داشته است. در خصوص عدم کارآیی مجازات گفته شده است که برای مجازات‌ها، کارکردها یا کارهای خاصی را پیش‌بینی کرده‌اند و آن جنبه تعلیمی مجازات است. مجازات، عبرت‌آموز، ارعاب‌انگیز، ندامت‌آور و خشتی‌کننده است. لذا جنبه آموزشی دارد و مفید است. به این کارکردهای سودمند، کارکرد دیگری اضافه می‌کنند و آن عبارت از کارکرد اخلاقی مجازات است.

امروزه مطالعات نشان می‌دهد که در عمل و تجربه این کارکردها محقق نشده است. لذا علی‌رغم شدداد و غلاظ مجازات‌ها و قطعیت آنها، میزان بزهکاری کاهش نیافته و بیلان مجازات منفی است. تنها نقطه مثبت مجازات این است که افراد مجرم را گاه برای همیشه و گاه برای مدتی از جامعه منفک می‌کند و به صورت مکانی یا زمانی آنها را خشتی می‌کند.

بدین ترتیب کارآیی مجازات فقط از نظر سزادهی قابل قبول است. کارنامه مجازات از نظر اخلاقی مفید است، ولی از جهت سوددهی برای جامعه منفی است. لیکن در کنار این کارکردها، کارکرد دیگری نیز در نظر گرفته شده و آن عبارت از بازپروری مجرمین از طریق اعمال مجازات است.

### ۷۶۸ مباحثی در علوم جنایی

مطالعات نشان می‌دهد که مجازات‌ها حتی در اشکال نوین خود نه فقط کارکردهای مورد نظر را محقق نکرده‌اند، بلکه برای مجرم و متهم مضر هم بوده‌اند. بدین معنا که مجازات‌ها با سرکوبی، به جرم و مجرم شدن دامن می‌زنند. این مسأله که مجازات برای جامعه مضر است، به تولد جرم‌شناسان واکنش اجتماعی برنمی‌گردد، بلکه قبل از تولد این جرم‌شناسی‌ها، روان‌پزشکی جنایی نشان داده است که گزینه مرگ که درست مخالف گزینه حیات است، عده‌ای را جذب جرم می‌کند تا با کیفر مرگ مواجه شوند.

علاوه بر این دیدگاه در روان‌شناسی جنایی، صاحب نظرانی نظیر گراماتیکا سرکوبی را مضر به حال جامعه می‌دانند. وی معتقد است دستگاه عدالت کیفری از مجازات به عنوان حربه‌ای علیه مخالفین نظم جامعه استفاده می‌کند، لذا باید مجازات را کنار گذاشت و به جای آن اقدامات دفاع اجتماعی را مطرح کرد. اقداماتی که ضمن حمایت از جامعه، از مجرمین هم حمایت کند. دفاع اجتماعی در دیدگاه گراماتیکا با دفاع اجتماعی در مکتب تحقیقی فرق می‌کند. از نظر گراماتیکا باید مجازات حذف شود و به جای آن اقدامات دفاع اجتماعی جایگزین شود، چون مضر به حال جامعه است.<sup>۱</sup>

مکاتبی در سی سال اخیر بوجود آمده‌اند که مکاتب واکنش اجتماعی نام گرفته‌اند. این مکاتب آشکارا معتقدند که اگر جرم عملی است بد و زشت، کیفر و سرکوبی کیفری نیز عملی بدتر است. زیرا بزهکار را لکه‌دار می‌کند، او را در شخصیت خود بی‌ثبات می‌کند و فرهنگ چگونه زیستن در دنیای بزهکاری را یاد می‌دهد. لذا مجازات نه تنها کارآیی ندارد، بلکه برای جامعه مضر نیز هست. اما در خصوص اینکه این دیدگاه‌ها صحیح است یا خیر، باید قائل به تفکیک شد. کیفر زندان به شکل

۱- برای اطلاعات بیشتر در زمینه نظریات این دانشمند ر.ک. فیلیپو گراماتیکا، دفاع اجتماعی، ترجمه

معمول در جهان جرم‌زاست. در تمامی جهان پدیده تورم جمعیت کیفری سبب می‌شود که اجرای مفید برنامه‌های بازپروری و اصلاح مجرمین عملاً عقیم بماند. از سوی دیگر کمبود بودجه و عدم اختصاص نیروی انسانی کارآمد و امکانات ساختمانی و پولی برای نگهداری مجرمین سبب شده است که زندان‌ها به پارکینگ دائمی انسان‌ها مبدل شوند. لذا تردیدی نیست که مجازات زندان در کشورهایی که دچار تورم کیفری هستند، یک خرده‌فرهنگ مجرمانه بوجود می‌آورد که با ترخیص اعضای آن از زندان این خرده فرهنگ در جامعه منتشر می‌شود. اما اینکه کل نظام کیفری را مضر بدانیم، اغراق است. چرا که در هر حال عدالت کیفری و مجازات ضروری است.

معدلک اگر بتوانیم بپذیریم که تورم جمعیت کیفری و تراکم کار دادگاه‌های کیفری لاقلاً در بخشی از آنها مربوط به این است که جامعه اقدامات پیشگیرانه را اجرا نکرده است و در نتیجه پلیس و دستگاه قضایی در دنیای بزهکاران غرق شده است، می‌توانیم بگوئیم که پیشگیری لازم است. یا اینکه پیشگیری با توجه به امکانات فعلی عملی است یا خیر؟

## ۷-۲- امکان اجرای پیشگیری (تحلیل نظریات مکاتب مختلف جرم‌شناسی)

آیا پیشگیری از نظر مکاتب مختلف جرم‌شناسی ممکن است یا خیر؟ مکاتب مختلف جرم‌شناسی، پس از ارائه نظراتشان در خصوص جرم، چه راه‌حلهایی را برای پیشگیری مطرح کرده‌اند؟ پس از بررسی این موضوع، اصول تجربی مربوط به پیشگیری را استخراج می‌کنیم.

## ۷۷۰ مباحثی در علوم جنایی

امکان استفاده از پیشگیری در نظریات مختلف جرم‌شناسی متفاوت است. مکاتبی هستند که کم و بیش آشکارا امکان پیشگیری از جرم را منکر می‌شوند و معتقدند که امکان تحقق پیشگیری وجود ندارد. مکاتبی هم وجود دارند که پیشگیری از جرم را ممکن می‌دانند.

### ۷-۲-۱- نظریات مکاتب مخالف امکان پیشگیری از بزهکاری

#### ۷-۲-۱-۱- نظریه لمبروزو

آیا پیشگیری ممکن است یا خیر؟ وی علت بزهکاری را در سازمان زیستی - روانی جستجو می‌کرد و یک دیدگاه جبرپندارانه داشت و معتقد بود که افراد به لحاظ ژنتیکی مجرم‌زاده می‌شوند. لذا امکان پیشگیری از بزهکاری نیست. وی در اواخر حیات خود بخشی از بزهکاری را ناشی از اتفاق و تصادف اعلام کرد. لذا در مقابل بزهکار بالفطره، بزهکار اتفاقی و آنی را مطرح کرد. دیدگاه وی نسبت به پیشگیری یک دیدگاه بدبینانه بود. در بعضی کشورها، با توجه به دیدگاه لمبروزو و دیدگاه کلی مکتب تحقیقی، برای جلوگیری از وقوع جرم یک سلسله اقدامات تأمینی اتخاذ کرده‌اند که امروزه این اقدامات ممنوع است. مثلاً اخته کردن و سترون کردن زنانی که حالت خطرناک دارند و یا مرتکب جرم شده‌اند. هدف این بود که این قبیل افراد تولید مثل نکنند تا فرزندان مجرم زاده نشوند. پس اجرای پیشگیری از دیدگاه این مکتب محال است.

### ۷-۲-۱-۲- نظریات مکاتبی که جرم را پدیده‌ای بهنجار می‌دانستند

دورکیم معتقد بود که جرم به دلایلی رسالت‌ها و فوایدی برای جامعه دارد و به همین جهت در همه جوامع جرم وجود داشته و خواهد داشت. عمومیت جرم در تاریخ بشر از نظر دورکیم به جهت رسالت‌ها و عملکردهایی است که این پدیده در جامعه بوجود می‌آورد. زیرا اولاً جرم به ما اجازه می‌دهد که غیر جرم را تشخیص دهیم.

۲- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۸، بهار ۱۳۸۱،

(ویژه‌نامه جایگزینهای زندان)

## جرم‌شناسی ۷۷۱

قانون جزا قانون مجرمین است و خارج از قانون جرمی وجود ندارد. ثانیاً، جرم در مقطعی سبب تحول اخلاق جامعه می‌شود. منظور دورکیم در اینجا اخلاق اجتماعی است. وقوع بعضی جرایم و شیوع برخی از آنها، چه بسا بیانگر عدم اهمیت آن ارزش در جامعه و عدم وجود قبح خاصی برای آن عمل باشد و در این مقطع است که قانونگذار از عملی جرم‌زدایی می‌نماید. پس بزهکاری محرک تحولات اخلاقی جامعه است. دورکیم معتقد است که وقوع جرم می‌تواند در تحولات سیاسی موثر باشد. او پرونده سقراط را مثال می‌زند و بیان می‌کند درست است که سقراط به اتهام توهین به مقدسات کشته شد، اما عمل او جامعه آتن را متحول نمود. جرم کفرگویی و اجرای مجازات آن سبب شد که اخلاق جامعه متحول شود. لذا دورکیم نتیجه گرفت که اگرچه امثال سقراط از بین رفتند، ولی باعث شدند که اخلاق جوامع متحول شود.

لذا با توجه به دیدگاه فوق، اقدامات کیفی و پیشگیرانه نمی‌تواند در میزان وقوع جرم در جامعه تأثیر بگذارد. اگر تجربه‌های پیشگیری شکست خورده، به این دلیل بوده که جرم بهنجار بوده است و ارتکاب میزان خاصی از جرایم طبیعی است. چنانچه در جامعه جرمی کاهش بیابد، اول دلیل آن این است که اخلاق اجتماعی و جامعه نسبت به افشاء و اعلام جرایم ارتكابی حساسیت خاصی ندارد. دوم اینکه، پایین بودن جرم می‌تواند دلیلی بر تضعیف نهادهای کنترل جرم باشد. یعنی عدم پیگیری مؤثر جرم توسط آنها. دلیل دیگر زمانی است که در یک جامعه، ارزش‌های اساسی آن که در وجدان عمومی متبلور است، به خرده ارزش‌های مختلف تجزیه و تقسیم شده است و در مقابل وجدان جمعی که قوی‌ترین ابزار کنترل جرم است، وجدان‌های گروهی و صنفی بوجود آمده است که هر یک به اعتبار سلیقه و گرایش صنفی خود از ارزش‌های خاصی دفاع می‌کنند. لذا در وجدان عمومی حضور فعالی ندارند.

## ۷۷۲ مباحثی در علوم جنایی

افزایش و کاهش بزهکاری دلیلی بر وجود شکاف بین وجدان عمومی جامعه یعنی قانونگذار و مقررات و انتظارات افراد (افکار عمومی) است. بنابراین، اگر حالت استثنایی فوق را کنار بگذاریم، در شرایط عادی وقوع جرم در جامعه امری بهنجار است و به این ترتیب، در چنین جوامعی پیشگیری منتفی است. زیرا نمی‌توان جلو میزان مشخصی از جرایم را گرفت.

### ۲-۱-۳- نظریه مارکسیست‌ها در مورد پیشگیری از جرم<sup>۱</sup>

از نظر مارکسیست‌ها، بزهکاری ذاتاً در سیستم‌های سرمایه‌داری بوجود می‌آید و رشد می‌کند بزهکاری از لوازم جوامع طبقاتی است و مادام که سیستم سرمایه‌داری وجود داشته باشد، جرم هم وجود خواهد داشت. لذا از نظر مارکسیست‌ها هرگونه اقدام برای پیشگیری از جرم در جوامع سرمایه‌داری، تلاش برای ادامه سلطه یک طبقه بر طبقه دیگر است. همانگونه که در جوامع سرمایه‌داری قانون در اختیار سرمایه‌داران، است پیشگیری هم در این جوامع یعنی ادامه بخشیدن به سیستم سرمایه‌داری.

هرگاه بخواهیم بزهکاری و جلوه‌های انحراف و فساد از یک جامعه حذف شود، باید نظام سیاسی و طبقاتی و نظام اقتصادی سرمایه‌داری را در آن کشور ساقط کنیم و یک نظام حکومتی بی‌طبقه که توده مردم در آن حضور دارند، جامعه را اداره کنند.

به دنبال این دیدگاه، بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و اجرا شدن نظام دیدگاهی آن - مارکس - و شکل‌گیری حکومت سوسیالیستی، انتظار می‌رفت که به تدریج با وجود نظام سوسیالیستی جرمی بوقوع نخواهد پیوست. هرچند انقلابیون شاید پس از ۶ سال از روی کار آمدن، اولین قانون جزای انقلابی را نوشتند که البته فرضشان بر این بود که اجرای این قانون منتفی خواهد شد. در این قانون سیاهه جرایم عوض شد. بدیهی

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و به طور کلی سایر نظریه‌های جرم‌شناختی ر.ک به: جرج ولد -

توماس برنارد - جفری سنپس جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ

اول، زمستان ۱۳۸۰

است در این قانون سرقت وجود نداشت. زیرا مالکیت عمومی بود. در سال‌های ۱۹۷۰ به بعد یکی از جرم‌شناسان روسی کتابی منتشر کرد که در آن علت استمرار جرم در جامعه شوروی سابق را بیان کرده بود. یکی از این علت‌ها این بود که بقایای ارزش‌های تزاری هنوز وجود داشت. دوم اینکه هر چند نظام فرهنگی خود را دگرگون کرده‌ایم، ولی مصون از تعرض دیگران نبوده است. سومین دلیلی که جرم‌شناس فوق اظهار داشت، این بود که اگر بعضاً شاهد جرم هستیم، بدین دلیل است که در دوران گذار از سیستم سرمایه‌داری به سیستم کمونیستی هستیم. این مرحله سوسیالیسم است و این عقیده وجود دارد که به هر کس به اندازه کارش باید داده شود، در حالی که در نظام کمونیستی به هر کس باید در حد نیازش داده شود. بعد از فروپاشی شوروی و شفاف شدن جامعه شوروی سابق مشخص شد که جرم وجود داشته است، اما چون در قانون وصف مجرمانه نداشته، غالباً به آنها به عنوان پدیده ایدئولوژیک نگاه می‌کردند. مثل طلاق، کم‌کاری، فساد اداری توسط اعضای کمونیست و در سطح کلان، وجود بازار سیاه برای کالاهای ضروری و وجود نوعی خشونت دولتی در جامعه. به عبارت دیگر، سیستم شوروی سابق هر چند طبقاتی نبوده، ولی در خدمت طبقه خاصی بوده است. دلیل دیگر بر وجود جرم در شوروی سابق، وجود مافیای روسی است. پس از فروپاشی شوروی، به جرائم سازمان‌یافته دنیا، سازمان مافیای روسیه نیز افزوده شد که متولیان این سازمان جنایی از صاحب‌نفوذان کمونیستی بودند. لذا الان روسیه چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اخلاقی در خدمت این گروه است. در چنین شرایطی نظریه مارکسیست که به موجب آن بزهکاری جزء ذات سیستم سرمایه‌داری است و اقدامات پیشگیرانه هم چیزی نیست مگر تلاش طبقه حاکم بر استفاده از نیروی طبقه پایین، زیر سوال می‌رود. در آلمان شرقی در دانشکده‌های حقوق فقط اقتصاد را عامل جرم می‌دانستند و علت جرم را اقتصاد و سرمایه‌داری می‌دانستند.

۷-۲-۱-۴- مکاتبی که جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی نامیده می‌شوند

علی‌الاصول این مکاتب عقیده دارند که وقوع جرم برای اولین یا دومین بار مخلوق و محصول نحوه فعالیت نظام عدالت کیفری است. وجود جرم به خاطر فعل و انفعالات تقنینی است. لذا در چنین شرایطی بایستی رفتار دستگاه عدالت کیفری اصلاح شود و الا پیشگیری در چنین شرایطی مفهوم ندارد.

۷-۲-۱-۵- دیدگاه‌های مجازات‌گرا یا دیدگاه‌هایی که طرفدار مجازات هستند

این دیدگاه‌ها پیشگیری از جرم را صرفاً در چارچوب پیشگیری کیفری جستجو می‌کنند و معتقدند که وقوع جرم در کشورهای غربی عمدتاً به خاطر روزآمد نبودن و ضعف سیاست‌های کیفری این جوامع است. یعنی وقوع جرم به خاطر ضعف ضمانت اجرای کیفری است. طبیعتاً این دیدگاه‌های مجازات‌گرا<sup>۱</sup> از نظریه‌های اقتصادی و استراتژیک بزهکاری استفاده می‌کنند<sup>۲</sup>. در خصوص اقتصاد جرم باید ذکر گردد که اصولاً در جرم‌شناسی، اقتصاد از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است؛ یکی اقتصاد تبعات آن به عنوان عوامل جرم‌زا مثل بیکاری و ..... و دیگری نظریه اقتصادی جرم. یعنی جرم دارای منافع و پیامدهای مادی و محسوس است و بنابراین یک قلمرو فعالیت برای کار محسوب می‌شود. اگر عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند، به این دلیل است که درآمد جرم بر هزینه‌های آن از جمله مجازات و دستگیری برتری دارد. بنابراین نظریه اقتصاد جرم در واقع تعیین می‌کند چرا عده‌ای مرتکب جرم می‌شوند، وقوع جرم به خاطر کم بودن هزینه آن است.

دیدگاه دیگر تحلیل استراتژی جرم توسط موریس کوسن مطرح شد. کوسن معتقد است که اگر جرم در جامعه زیاد شده، به خاطر این است که جامعه موانع لازم را در سر راه ارتکاب آن ایجاد نکرده است. لذا اعتقاد دارد که باید بین مزایای جرم و آثار

1. criminalist

۲- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. ریموندگسن، جرم‌شناسی نظری، پیشین همان.

سوء ارتکاب آن یک موازنه برقرار شود. باید استراتژی ما در مقابله با جرم به این ترتیب طرح‌ریزی شود که توالی فاسد ناشی از ارتکاب جرم و آثار منفی ناشی از گذار به عمل مجرمانه آنقدر زیاد باشد که بزه‌کاران را، حتی قوی‌ترین آنها را، متقاعد کند که رعایت قانون و عدم نقض قانون به نفع آنهاست. از دیدگاه کوسن این طرح‌ریزی باید شامل تقویت کیفر و مجازات باشد، کیفر باید از مؤلفه‌های اصلی جرم باشد.

در این دیدگاه، آقای کوسن چهار جنبه را در نظر می‌گیرد:

- ۱- جرم مانند هر رفتار دیگر است؛
  - ۲- با ارتکاب جرم، مجرم در این فکر است که چه چیزی عایدش خواهد شد؛
  - ۳- مجرم می‌اندیشد که چه مشکلات و موانعی در سر راه وی وجود خواهد داشت و چه راه‌حلی را باید انتخاب کند؛
  - ۴- بزه‌کار دچار کشمکش درونی می‌شود. یعنی از یک طرف مجنی‌علیه و از سوی دیگر دشمنان خود را مدنظر دارد.
- با این خصوصیات چهارگانه، کوسن معتقد است که علت وجود جرم این است که کیفر خاصیت سزاهمی خود را از دست داده است. علت افزایش بزهکاری که کیفر تضعیف شده است.
- همانطور که ملاحظه کردیم، در این ۵ دسته از نظریات، نسبت به پیشگیری از جرم، یک دیدگاه منفی وجود داشت و آن ....

#### ۷-۲-۲- نظریات مکاتبی که پیشگیری از جرم را عملی می‌دانند

در مقابل نظریات فوق، نظریات دیگری وجود دارند که معتقدند امکان پیشگیری وجود دارد. این نظریات جهت‌گیری‌های مطالعاتی خود را حول محور مسائل اخلاقی و اجتماعی استوار می‌کنند. لذا معتقدند که پیشگیری از بزهکاری با مداخله در مسائل اجتماعی و اخلاقی امکان‌پذیر است. در این دسته، باید نظریات پویای

#### ۷۷۶ مباحثی در علوم جنایی

جرم را به آن افزود که به موجب آن، عامل تعیین‌کننده گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را باید در وضعیت موجود در آستانه جرم جستجو کرد و چه بسا در این فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه است که شخص بزه‌دیده خود به عنوان یکی از آماج‌های جرم، جزء وضعیت پیش‌جنایی به شمار می‌آید و نقش عمده را ایفا می‌کند. پس مبارزه با بزه‌دیدگی، یعنی اتخاذ تدابیر جلوگیری از بزه‌دیده شدن، در پیشگیری از وقوع جرم هم کمک می‌کند.

برحسب نحوه اقدامات پیشگیرانه، گاه پیشگیری به سمت مجازات و سرکوبی و گاه به سمت پیشگیری گرایش پیدا می‌کند. بحث اساسی این است که ممکن است در مرحله اجرا پیشگیری به یکی از این دو منتهی شود. فقط مجازات، پیشگیری وضعی، پیشگیری اجتماعی یا پیشگیری خنثی، یعنی نه مجازات و نه پیشگیری.

اگر از طریق پلیس پیشگیری وضعی را اعمال کنیم، چون پلیس بازوی دستگاه قضایی است، این پیشگیری متمایل به پیشگیری کیفری می‌شود.

ولی اگر ترتیبات اجتماعی اتخاذ کنیم تا زمینه‌های برخورد بین اشخاص کم شود، از طریق امکانات عملی یا قانونگذاری، در این صورت به سمت دیگر نمودار یعنی نه پیشگیری و نه مجازات نزدیک می‌شویم. پیشگیری خنثی اصطلاحی است که لوک هولسمن جرم‌شناس هلندی مطرح ساخت. وی طرفدار الغاء نظام کیفری است. در دیدگاه وی، با الغاء نظام کیفری دیگر پیشگیری توجیهی ندارد. زیرا پیشگیری زمانی است که نظام کیفری وجود داشته باشد. اما در هر حال پیشگیری لازم است، ولی این پیشگیری عبارتست از پیشگیری خنثی و بی‌طرف، یعنی پیشگیری‌ای که به نظام کیفری ارجاع نمی‌دهد. لذا پیشگیری خنثی پیشگیری‌ای است که هیچگونه اشاره‌ای به مجازات ندارد.

پیشگیری خنثی از نظر مفهومی، یعنی ترتیباتی اجتماعی که این ظرفیت را دارند که زمینه‌های وقوع مسائل بین اشخاص را کمتر یا سبکتر نمایند. وی به این موضوع

اشاره می‌کند که در جرائم رانندگی، اگر ما شبکه جاده‌ها، و علامت‌گذاری‌ها را متحول کنیم، بی‌تردید تصادفات و جراحات کمتر می‌شود. لذا یک‌نوع پیشگیری خنثی نموده‌ایم. این دیدگاه یک دیدگاه آرمانی و افراطی بود، ولی در توسعه قضازدایی و کیفرزدایی و جرم‌زدایی نقش به‌سزایی داشته است.

ملاحظه می‌شود که برحسب دیدگاه‌های معمول در جرم‌شناسی، بعضاً پیشگیری قابل اعمال و است.

در حقوق فرانسه، جلوه‌ای دیگر از پیشگیری وجود دارد. بدین صورت که استعداد‌های مجرمانه یا حالت خطرناک مشرف به جرم را جرم‌انگاری نموده است تا بدین وسیله از وقوع جرائم مهم پیشگیری نماید. این بالقوگی‌های مجرمانه فی‌نفسه جرم نیست، لیکن قانونگذار برای جلوگیری از به فعل در آمدن این حالت، برای آن عنوان مجرمانه قائل شده است. نمونه‌ای از این جرم‌انگاری عبارتند از:

۱- قاضی دادگاه می‌تواند صغیری که در معرض ارتکاب جرم قرار دارد را در موسسه خاصی نگهداری نماید. بدین ترتیب آن صغیر بدون اینکه مرتکب جرم شده باشد از آزادی محروم می‌گردد. یا طفلی که والدین وی معتادند، یا طفلی که به عنوان فرزندخوانده در خانواده‌ای که پدر و مادر صلاحیت والدین بودن را ندارند زندگی می‌کنند، در این حالات نیز او را به عنوان بالقوگی مجرمانه در مراکز خاصی نگهداری می‌کند.

در فرانسه به صغار زیر ۱۸ سال طفل گفته می‌شود. طفولیت به سه دوره تقسیم می‌شود: ۱- تا ۱۳ سال ۲- از ۱۳ تا ۱۶ سال و ۳- از ۱۶ تا ۱۸ سال. منتها مسؤولیت کیفری به صورت تدریجی تشدید می‌شود (تدریجی بودن مسؤولیت کیفری). اما نمونه بارز مسؤولیت کیفری جهشی، مسؤولیت کیفری در ایران است. زیرا دختر و پسر پس از گذشت یک روز به سن بلوغ می‌رسند و مسؤول شناخته می‌شوند.

۲- نمونه دیگر از بالقوگی مجرمانه در فرانسه، جرمی است تحت عنوان «در معرض خطر قرار دادن جان دیگری». مانند رانندگی در حالت مستی یا رانندگی با سرعت غیر مطمئن. این دو حالت در عین حال که جرمی اداری است و از سوی پلیس جریمه می‌شوند، ولی جنبه کیفری نیز دارند و از سوی محاکم عمومی مجازات می‌گردند. لذا این عنوان مجرمانه خود چهره‌ای از پیشگیری است.

## ۸- اصول حاکم بر امکان پیشگیری

بر اساس پایه‌های عملی و تجربی، می‌توان گفت که شخصیت انسان‌ها قابل تغییر است و بنابراین، با مداخله محیط خارجی می‌توانیم واکنش شخصیتی را تغییر دهیم. شخصیت مانند مومی است که می‌توان به آن شکل داد. قسمتی از شخصیت ما در خصوصیات ذاتی و قسمت دیگر در خصوصیات اکتسابی قرار می‌گیرد. اهمیت تعلیم و تربیت در خصوص اطفال و نوجوانان نمونه بارز تغییرپذیری شخصیت است. شخصیت افراد در جامعه و خانواده و مدرسه شکل می‌گیرد. بزرگسالان قادرند در تماس با محیط اجتماعی شخصیت خود را تغییر دهند. بنابراین اصل اول، تغییرپذیری شخصیت افراد است و اصل دوم که امکان پیشگیری را نشان می‌دهد، این است که فضاهای اجتماعی قابل تغییر هستند. رفتار ما همواره بر شرایط و زمینه<sup>۱</sup> تأثیر می‌گذارد. تأثیر انسان از این فضاها گاه اتفاقی و گاه عالمانه است.

اما اصل سوم در ساز و کار گذار از اندیشه به عمل، ما شاهد کنش متقابل یا تعاملی میان شخصیت فرد و وضعیت هستیم درواقع، این تعامل شخصیت و وضعیت است که به جرم تبدیل می‌شود. اگر در شخصیت تغییر ایجاد کنیم، تعامل تفاوت پیدا خواهد کرد. پس با توجه به اصل فوق ممکن است پیشگیری اتفاق بیفتد یا نیفتد. چون تعامل بین شخصیت و وضعیت یکی نیست.

حال با توجه به این که پیشگیری ممکن است، موانع این پیشگیری چیست؟  
با توجه به اصول فوق، نباید تصور کرد که پیشگیری بطور مطلق امکان دارد، بلکه برعکس، مطالعات ارزیابی کننده از اعمال روش‌های پیشگیرانه نشان می‌دهد که لااقل در مورد این دلایل محدودیت‌هایی نیز وجود دارد.

## ۹- محدودیت‌ها و موانع پیشگیری

مانع اول، مربوط به خود جرایم است. همه جرایم را نمی‌توان بطور مساوی و برابر از طریق پیشگیری و روش‌های مختلف پیشگیرانه در جرم‌شناسی کاهش داد. بعضی جرایم را صرفاً می‌توان از طریق سرکوبی و مجازات جلو ارتکاب‌شان را گرفت. جرایمی مثل تروریسم، آدم‌کشی یا قتل دسته جمعی، غالباً با مجازات شدید می‌توان از وقوع آنها جلوگیری نمود.

برعکس، جرایمی وجود دارد که با روش‌های پیشگیرانه می‌توان جلو ارتکاب آنها را گرفت. اما با توجه به تنوع جرایم، پیشگیری‌ها به تنهایی کافی نیستند.

مانع دوم مربوط به افراد است. یعنی مجرمین بالقوه، که عده‌ای از انسان‌ها هستند، نسبت به اقدامات پیشگیرانه حساسیت مثبت دارند، یعنی پیشگیری نسبت به آنها کارساز است. اما در مقابل، واکنش بعضی مردم نسبت به پیشگیری، چه از لحاظ روحی یا شخصیتی، ناچیز و اندک است.

عده‌ای از افراد مصمم به ارتکاب جرم هستند. در خصوص افراد مصمم به ارتکاب جرم اصطلاح «ابر بزهار» گفته شده است. اما افراد دیگری نیز وجود دارد. که از نظر روانی و جسمانی پیشگیری نسبت به آنها اثری ندارد.

مانع سوم مربوط به روش‌های پیشگیری است. همه روش‌های پیشگیری اعتبار مساوی ندارند. بعضی روش‌ها اگر موثر باشند، هزینه سنگینی را به دنبال دارند،

## ۷۸۰ مباحثی در علوم جنایی

بطوری که هزینه‌های مصروف در این روش‌ها بیش از صرفه‌جویی جلوگیری از ارتکاب جرم است.

بعضی روش‌های پیشگیری تالی فاسد دارند. بعضی دیگر بزهاران بالقوه را با فنونی آشنا می‌کنند که بعداً پیشگیری را خنثی می‌کنند و بعضی از پیشگیری‌ها احساس امنیت را خدشه‌دار می‌کنند.

مانع چهارم این است که بعضی از انواع پیشگیری‌ها منجر به پیشگیری از جرم نمی‌شود، بلکه منجر به جا به جایی جرم می‌شود. این جابه جایی گاه در زمان و مکان و گاه در ماهیت جرم صورت می‌گیرد.

مانع پنجم جنبه حقوق بشری دارد. بدین معنا که بعضی روش‌های پیشگیری از جرم منجر به ایجاد محدودیت‌هایی در آزادی رفت و آمد افراد می‌شود، به خلوت افراد و بعضی از اصول حقوق بشر لطمه می‌زند. مثلاً گشت‌های پلیس با خلوت افراد منافات دارد و ممکن است به خلوت افراد تجاوز شود.<sup>۱</sup>

مانع و محدودیت ششم این است که پیشگیری در بادی امر مجازات و سرکوبی را از کنترل جرم خارج می‌کند، یعنی دورنمای مجازات را زایل می‌کند، حال آنکه در واقع پیشگیری باید زمینه‌ای باشد برای استفاده احتمالی از مجازات. به عبارت دیگر، تأثیر پیشگیری بدون وجود دورنمای مجازات و عدالت کیفری اندک و محدود است. یعنی اگر پیشگیری شکست خورد، باید جامعه بداند که خلع سلاح نیست و سلاحی به نام کیفر دارد.

بنابراین به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که پیشگیری و مجازات مکمل یکدیگر هستند. یک نوع جدل و دیالگ بین آنها وجود دارد. مجازات پشتوانه تعلیم و تربیت است. مجازات و اقدامات پیشگیرانه باید در حد تعادل باشد. بحث ما در

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه ر.ک. حسین غلامی، حمایت از حقوق و آزادی‌های اشخاص در

## جرم‌شناسی ۷۸۱

پیشگیری این است که در صورت عدم تأثیر آن در کاهش جرم، با اعمال مجازات از جامعه حمایت شود. پیشگیری مستغنی از مجازات نیست، بلکه مهم تعادل بین پیشگیری و مجازات است.

حقوق کیفری و حقوق پیشگیری مکمل یکدیگر هستند و از لحاظ ترتیب باید بدواً پیشگیری اعمال شود و سپس در صورت عدم کارآیی، حقوق جزا وارد عمل شود.

### ۱۰- مراحل و عملیات اساسی جهت پیشگیری

در این خصوص باید گفت که این عملیات در واقع یک سلسله عملیات فکری و علمی و مطالعاتی است که به آن امکان‌سنجی می‌گویند. این عملیات را به هفت مرحله تقسیم کرده‌اند:

مرحله اول، تحلیل حجم و ویژگی‌های وضعیت بزهکاری است یعنی، برای انجام هر نوع پیشگیری لاجرم باید ابتدا خصوصیات جرمی را که می‌خواهیم از آن پیشگیری کنیم مورد مطالعه قرار دهیم. این موارد فضای جغرافیایی نوع جرم می‌باشد. فضای جغرافیایی ممکن است محله‌ای از شهر، یک استان یا یک شهر باشد. بنابراین مطالعات ما در مورد جرم جنبه جرم‌شناختی خواهد داشت.

در تحلیل جرم سه بُعد مطرح می‌شود: ۱- مطالعه فضای جغرافیایی مورد نظر بزهکاری؛ ۲- تحلیل ساختار آن جرم و مباشران و بزه‌دیدگان آن؛ ۳- تحول و نوسانات این جرم در یک دوره معینی بررسی می‌شود، یعنی تحلیل داده‌های مربوط به جرم.

بدیهی است در بحث پیشگیری، ما می‌توانیم جرایمی را که احساس امنیت و یا ناامنی ایجاد می‌کنند و از جهت ترسی که بر احساس امنیت مردم دارند، مورد توجه قرار دهیم. بررسی ما از جهت کاهش آنها نیست، بلکه به منظور راه‌حل‌هایی در جهت

## ۷۸۲ مباحثی در علوم جنایی

کاهش پیامدهای آن است. چرا که این جرایم از لحاظ روانی به مراتب ترسناک‌ترند. (high incidence offences)

مرحله دوم، عبارتست از انتخاب آماج پیشگیری. در این مرحله ما می‌توانیم از روش معمول در پیشگیری پزشکی استفاده کنیم. در پزشکی، مبنای پیشگیری مبتنی بر ریسک و خطر است که شامل خدمات بهداشتی، اجتماعی، فرهنگی و خدمات روان‌کاوانه و روان‌شناختی می‌شود. بدین معنا که برحسب میزان ریسک، این خدمات متفاوتند. اگر میزان ریسک برای گروه یا سن خاصی بیشتر باشد، خدمات بهداشتی برای آن گروه بیشتر خواهد بود، لذا تمرکز ما بر آن گروه و دسته خواهد بود.

بنابراین؛ همانطور که در پزشکی افراد و گروه‌هایی بیشتر از دیگران در معرض خطر بیماری قرار دارند و بنابراین تمرکز خدمات بهداشتی بر آنها بیشتر است، در جرم‌شناسی پیشگیرانه نیز می‌توانیم بگوییم بعضی شرایط و فرآیندها، بیش از دیگر گروه‌ها و اوضاع و احوال و فرآیندها در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند. از این‌رو، در پیشگیری نیز می‌توانیم خطر را مبنای آن قرار دهیم، میزان آسیب‌پذیری گروه‌ها و افراد را برآورد کنیم و بدین منظور شاخص‌هایی مدنظر قرار دهیم. در انتخاب آماج پیشگیری چهار مرحله را باید رعایت کنیم: ۱- فرضیه ۲- آزمایش (شاخص‌های فرضی) ۳- بررسی و برآورد نتایج مطالعه راهنما و اجرای آزمایشی یک نمونه و اصلاح ایرادات احتمالی ۴- اجرای عمومی طرح پیشگیری (تسری این نتایج به همه موارد).

مثلاً آماج پیشگیری، سرقت از کیف‌ها و جیب است. فرض کنید نوجوانان و کهنسالان بیش از سایر افراد جامعه در معرض بزه‌دیدگی این جرم قرار دارند. در مرحله دوم، عده‌ای از این گروه کهنسال یا نوجوان را مدنظر قرار می‌دهیم و اقدامات پیشگیرانه‌ای جهت مصون‌سازی آنها اعمال می‌کنیم. در مرحله سوم، نتیجه این اقدامات پیشگیرانه را برآورد می‌نمائیم، کمبودهای این اقدامات را بررسی می‌کنیم و



## جرم‌شناسی ۷۸۳

در صورت مثبت بودن نتیجه آن، پیشگیری را به کل افراد کهنسال و نوجوان تسری می‌دهیم. مثلاً در فرانسه، به دنبال چنین تحقیقی، به افراد کهنسال به جای دسته چک یا پول نقد، کارت اعتباری صادر شد تا مانع از حمل پول نقد شود و به تبع آن کمتر در معرض حمله و سرقت قرار گیرند.

مرحله سوم - در هر طرح پیشگیری، تعیین نظریه جرم‌شناختی، پایه و اساس آن طرح است. در این مرحله، توجیه جرم‌شناختی آن طرح را مشخص می‌کنیم. در این مرحله طراح برنامه پیشگیری می‌تواند از متخصص جرم‌شناسی استفاده کند. در اینجا طراح پیشگیری باید از جرم‌شناسی نظری استمداد بطلبد. در جرم‌شناسی بالینی و پیشگیری از تکرار جرم، مفهوم (نظریه) پایه را از جرم‌شناسی بالینی می‌گیریم که به شیوه پزشکی است و در اینجا حالت خطرناک<sup>۱</sup> مدنظر است.

بر اساس نظریه حالت خطرناک در جرم‌شناسی بالینی، ما دست به پیشگیری از تکرار جرم می‌زنیم. حالت خطرناک یعنی اقتران سلسله عوامل شخصی و اجتماعی که فرد را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. بدیهی است در جرم‌شناسی بالینی چون الگوی ما پزشکی است، متخصص جرم‌شناسی از چهار مرحله عبور می‌کند: ۱- بررسی و معاینه مجرم از طریق روان‌کاوی و فیزیولوژی ۲- شناسایی علت و عوامل ارتکاب جرم ۳- تعیین و تجویز دارو ۴- مصرف دارو و پیگیری دوران مراقبت بعد از خروج.

در جرم‌شناسی پیشگیرانه نیز برای هر طرح باید به دنبال مبنایی برای آن باشیم. طراح پیشگیری بی‌نیاز از جرم‌شناسی نظری نیست. دو نظریه که می‌تواند مبنای توجیه بعضی از طرح‌های پیشگیری قرار گیرد، عبارتند از: ۱- نظریه بی‌هنجاری (خلاء هنجاری) ۲- نظریه نابسامانی اجتماعی. فرض کنید نظریه مبنای طرح ما «ناسازگاری، خلاء هنجاری یا بی‌هنجاری» باشد. دورکیم معتقد بود که جرم یک پدیده نرمال است

## ۷۸۴ مباحثی در علوم جنایی

و حتی معتقد بود که جرم یک عامل سلامت عمومی است و بنابراین چون جرم در همه جوامع وجود دارد، تاکید می‌کند نوع جرم ناشی از ساختار فرهنگی آن جامعه است. پس بزهکاری را باید همواره با محل معین و فرهنگ معینی بررسی کرد. با توجه به این توضیح، دورکیم معتقد است که چنانچه جرم از میانگین و میزان خود فراتر رود، در این صورت در آن جامعه یک مشکل وجود دارد که این مشکل با خلاء هنجاری یا ناسازمندی مشخص می‌شود. ناسازمندی از نظر دورکیم یعنی تضعیف هنجارهای اجتماعی از یک سو و ضمانت اجراهای این هنجارها از سوی دیگر، بطوری که به دنبال تضعیف هنجارها و ضمانت اجراهای آن، افراد در مقابل خود هیچ مانعی را نمی‌بینند.

بر اساس نظریه خلاء هنجاری، جامعه‌شناس آمریکایی، آقای روبرت مرتون، در سال ۱۹۵۷ نظریه «اهداف و وسایل دستیابی به اهداف» را مطرح کرد. متمایز وی معتقد است در هر جامعه فرهنگ یا ارزش‌هایی وجود دارد و در این فرهنگ تعدادی از اهداف به شهروندان توصیه می‌شود، مانند پولدار شدن، رفاه مادی و موقعیت اداری و اجتماعی و سیاسی. در کنار این اهداف، به عنوان ارزش آن جامعه، یک سری وسایل و امکانات نیز برای دستیابی به آن‌ها ترویج می‌شود. لذا فرهنگ معینی در مکان معینی، اهدافی را به عنوان ارزش توصیه می‌کند که علی‌الاصول راه دستیابی به آن اهداف را هموار می‌سازد. اما واقعیت این است که از نظر وی چنانچه بین این اهداف و وسایلی که بطور مشروع در جهت دستیابی با آن اهداف وجود دارند، ناهماهنگی بوجود بیاید، خلاء هنجاری ایجاد می‌شود. بنابراین، محرومیت بخشی از افراد به لحاظ نژادی، اقتصادی یا جایگاه اجتماعی، از دستیابی به آن اهداف یک حالت ناسازمندی ایجاد می‌کند و این افراد به وسایل غیر مجاز متوسل می‌شوند. بنابراین نظریه خلاء هنجاری می‌تواند مبنای طرح پیشگیری ما قرار بگیرد.

۱. درجه سازگاری فرد با جامعه و ظرفیت جنایی (استعداد مجرمانه فرد).

نظریه دیگر، یعنی نظریه "نابسامانی اجتماعی" که توسط ساترلند مطرح شد نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. نظریه نابسامانی اجتماعی توضیح می‌دهد که چگونه افراد مرتکب جرم می‌شوند و چرا نوع بزهکاری برحسب کشورها متفاوت است. در یک جمله، ساترلند معتقد است که جرم فراگرفتنی است، جرم آموختنی است و در ارتباط با جامعه آموخته می‌شود. در سطح فردی، آقای ساترلند نظریه "معاشرت‌های ترجیحی" را مطرح می‌کند. در چارچوب این نظریه، ساترلند معتقد است که یک انسان در مقطع معینی از حیات اجتماعی خود، به یک یا چند واحد اجتماعی تعلق خاطر دارد، اما تعلق خاطر او به یکی از این واحدها بیشتر از دیگران است. فرد در تماس با آن واحد ترجیحی، تلاشش در تبعیت از مرام آن واحد است. اگر واحد اجتماعی خانواده یا انجمن دینی باشد، بی‌تردید فرد در تماس با محیط‌هایی است که زمینه مردم‌آمیزی و جامعه‌پذیری و اجتماعی‌شدن را فراهم می‌کند، اما اگر فرد در تشکل ترجیحی خود با تعبیرها و مرامهای مخالف قانون یا بی‌تفاوت نسبت به هنجارهای اجتماعی در تماس باشد، لاجرم به جای جامعه‌پذیری، غیر اجتماعی و ضد اجتماعی خواهد شد. در سطح فردی رفتارهای مجرمانه ارثی نیست، بلکه در اثر تماس با دیگران در قالب ارتباط و همنشینی آموخته می‌شود. باندهای مجرمانه به این شکل عده‌ای را در خود جذب و استخدام نیرو می‌کنند. به نظر ساترلند به جهت هنجارهای خاص در این خرده‌فرهنگ‌ها، زبان، پوشش و آرایش، ظاهر خاصی در آنها وجود دارد. لذا جرم آموختنی است.

در سطح جمعی، ساترلند معتقد است که تفاوت نرخ بزهکاری بین ملت‌ها را باید در تفاوت موجود در سازمان‌های اجتماعی بررسی کرد. اگر در یک دولت بزهکاری بالاست، به لحاظ بی‌سازمانی اجتماعی است، به خاطر فقدان همگونی ارزش‌ها و انسجام فرهنگی است، به خاطر خرده‌ارزش‌هایی است که یکدیگر را خشتی می‌کنند و با ارزش اصلی جامعه در معارضه و رقابت می‌باشند و یک نوع تعارض وجود دارد.

یکی از عوامل نابسامانی اجتماعی از نظر ساترلند می‌تواند جنگ یا انقلاب باشد. انقلاب، بطور مقطعی حالتی ایجاد می‌کند که عبور از یک ارزش به ارزش دیگر است. لیکن، این عبور، به زمان نیاز دارد که در این فاصله نابسامانی اجتماعی بوجود می‌آید. آقای فری قانون اشباع جنایی و فوق اشباع جنایی را مطرح کرد. به نظر آقای ساترلند، قانون فوق اشباع جنایی همان نابسامانی اجتماعی است که در اثر آن جرایم افزایش می‌یابد.

مرحله چهارم - در واقع اهداف پیشگیری است. بدیهی است که هدف کلی هر برنامه پیشگیری، کاهش جرم یا محدود کردن آن یا جلوگیری از رشد آن است. مثلاً در کشور ما، ستاد مبارزه با مواد مخدر به این نتیجه رسیده که باید طرحی ریخت که اعتیاد افزایش نیابد.

هدف بلندپروازانه پیشگیری، جامعه‌عاری از بزهکاری است. در طرح‌ریزی پیشگیری، باید از این اهداف کلی و مهم منصرف شده و هدف دقیقی را مشخص کرده و شاخص‌های ریسک را مشخص کنیم. مثلاً در طرحی که می‌ریزیم، هدف دقیقمان این باشد که در فلان محله از شهر که محل خرید و فروش اموال مسروقه و تجمع مجرمین و منحرفین است و در واقع به یک محیط مجرمانه تبدیل شده است، رفع مشکل بنمائیم. باید دید هدف ما کاهش خرید و فروش اموال مسروقه در آن محل است یا محو خرید و فروش اموال مسروقه و یا اتخاذ ترتیباتی که منجر به جابه‌جایی جرم می‌شود.

بنابراین در تعیین هدف پیشگیری بایستی واقع‌بین باشیم تا هدف از کلی بودن و ابهام خارج شود.

مرحله پنجم - انتخاب نوع پیشگیری است. از آنجا که در جرم‌شناسی پیشگیرانه هستیم، بدیهی است پیشگیری‌های ما یا جنبه اجتماعی دارند و یا جنبه وضعی یعنی یا ناظر به اوضاع و احوال کل جامعه هستند یا این پیشگیری ناظر به شرایط و وضعیت

پیش‌جنایی است. بدین منظور، جرم‌شناسی پیشگیرانه می‌تواند روش‌هایی را در اختیار متخصص پیشگیری قرار دهد. به عنوان مثال، در سطح اول، ممکن است پیشگیری در سطح جامعه صورت گیرد. مثل فراهم آوردن فرصت‌های فراغت برای جوانان، برنامه‌های مسافرتی، تفریحی و سرگرم‌کننده.

همچنین، پیشگیری می‌تواند در سطح وضعیت‌های پیش‌جنایی متمرکز گردد. یعنی از تشکیل وضعیت مشرف به جرم جلوگیری کند. هدف اجرای اقدامات روانی - اجتماعی جلوگیری از شکل‌گیری این وضعیت‌ها می‌باشد تا جلوی ارتکاب جرم گرفته شود یا مقرراتی اعمال گردد که از شکل‌گیری این وضعیت‌ها جلوگیری نماید. در مورد وضع مقررات و اتخاذ روش‌های فنی برای جلوگیری از وضعیت‌های پیش‌جنایی، می‌توانیم به وضع «جرایم مانع»<sup>۱</sup> یا بازدارنده اشاره کنیم، نظیر ممنوعیت فروش و حمل اسلحه.

روش دیگر، اتخاذ تدابیری است که از تحقق فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه جلوگیری می‌کند. به عبارت دیگر، این روش می‌تواند یک نوع جلوگیری از توسعه روند گذار به عمل باشد. این پیشگیری از سطح سوم، قرابت‌هایی با پیشگیری سطح دوم دارد. این قرابت‌ها از این جهت که اقدامات ما در سطح دوم ناظر به خود مجرم است و اینکه با اقداماتی که در محیط انجام می‌دهیم مرتکب منصرف می‌شود، وجود دارند.

مرحله ششم، تعیین مقام و مرجع صالح برای پیشگیری است. در خصوص پیشگیری، تقریباً این اجماع وجود دارد که واحدهای اجتماعی مثل پلیس باید وظیفه پیشگیری را انجام دهند. اینکه آیا پلیس کافی است یا خیر، باید گفت که نقش پلیس

بیشتر در چهارچوب پیشگیری کیفری قابل توجه است، هر چند اقدام او هم منجر به جلوگیری از ارتکاب جرم می‌شود.

از طرف دیگر، از نظر اجرای فنی هم در خصوص اینکه آیا پلیس مجری تمام طرح‌های پیشگیری باشد، اتفاق نظر وجود ندارد. عده‌ای مقام صالح برای پیشگیری را خود مردم می‌دانند. مردم از این زاویه به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول عده‌ای هستند که در معرض مجرم و بزه‌دیده شدن قرار دارند و گروه دوم، مردم به معنای خاص و خارج از این گروه هستند.

بدیهی است که جمعیت در معرض خطر بزهکاری و بزه‌دیدگی، باید در پیشگیری شرکت نمایند. یعنی خودشان موضوع اقدام پیشگیری هستند. اما این مشارکت باید تعریف شده و سازمان‌دهی شده باشد. به طوری که جای سوء استفاده فراهم نشود. زیرا چنانچه بر مشارکت این دسته از جمعیت و مردم در پیشگیری مقرراتی وضع نشود، موارد سوء استفاده فراوان می‌گردد. مثلاً دفاع شخصی<sup>۱</sup> از خود، دفاعی است که با دفاع مشروع فرق می‌کند. دفاع مشروع یک مقوله کیفری است و با دفاع شخصی امکان سوء استفاده از دفاع مشروع بوجود می‌آید. به عنوان مثال، افراد یک محله که در معرض خطر جرم قرار دارند، گروه‌های شبه نظامی تشکیل می‌دهند که هدفشان مبارزه با جرم در آن محل می‌باشد. بدیهی است که در مورد مشارکت کردن باید خیلی احتیاط کرد.

در خصوص عموم مردم مسأله بسیار پیچیده است. در باب پیشگیری شعار کلی امروزه این است که پیشگیری از جرم یک امر همگانی است، یعنی اعم از مردم و دولت. اما بحث این است که اگر ما به نام پیشگیری مردم را در مقابله با جرم مشارکت دهیم، آیا در این خصوص نیز زمینه‌های سوء استفاده و پایمال شدن حقوق خود مردم فراهم نمی‌شود؟ آیا به نام پیشگیری، کرامت اشخاص در معرض سوء

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: محمد علی بابایی، تحولات حقوقی - جرم‌شناختی

حالت خطرناک، رساله دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.

استفاده قرار نمی‌گیرد؟ آیا آزادی رفت و آمد افراد و خلوت زندگی آنها در معرض خطر مداخله دیگران قرار نمی‌گیرد؟

به همان میزان که مشارکت مردم در پیشگیری مهم است، به همان میزان نیز ممکن است زمینه تجاوز به حقوق دیگران فراهم شود. در اینجا است که دولت به عنوان متولی اصلی امنیت، باید در چهارچوب مشخص، جایگاه مردم را مشخص کند. بنابراین، مردم می‌توانند در اقدام پیشگیری دخالت داشته باشند، لیکن باید نظارت دولت هم موجود باشد.

مرحله هفتم، مرحله ارزیابی علمی پیشگیری است. علی‌الاصول، پیشگیری و تجربه‌های مربوط به آن، در ظاهر امر ایجاد امید می‌کند، اما این کافی نیست. یعنی حتی اگر کلیه احتیاجات در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی یک پیشگیری شده باشد، باز هم ممکن است در مرحله اجرا و دقیقاً به لحاظ اینکه موضوع پیشگیری جرم است و با پدیده انسانی مواجه است، این طرح با شکست مواجه شود. لذا لازم می‌آید که از نظر علمی برآورد گردد. این بیان را یا ادارات و دستگاه دولت و یا افراد متخصص و کارشناس تهیه می‌کنند.

اصولاً تمایل سازمان‌های دولتی و اداری به این است که ارزیابی برنامه خود را در جهت مثبت اعلام کنند. به همین جهت است که در طرح پیشگیری باید از افراد متخصص استفاده کرد.

معیار سنجش برای کاهش یا افزایش طرح پیشگیری چیست؟ بدیهی است یک معیار برای سنجش ممکن است کاهش یا متوقف یا محدود شدن بزهکاری باشد. معیار دیگر نیز تغییر رفتار مردم و ملاحظه ایجاد تغییر در بالقوگی‌های مجرمانه و در وضعیت‌های ماقبل بزهکاری است.

مثلاً در پیشگیری وضعی، در بادی امر سرقت کاهش پیدا می‌کند و سنجش ما از پیشگیری به معنای توفیق آن خواهد بود، ولی باید بینیم به دنبال این توفیق، یعنی کاهش سرقت، پدیده‌های جنبی بوجود نیامده است.

در سنجش باید ارزیابی جامع صورت گیرد. آیا توفیق پیشگیری وضعی در محل، منجر به جابه‌جایی جرم در زمان و مکان نشده است؟ آیا موجب تغییر بزهکاری یا جرم نشده است؟ زیرا تحقق چنین پدیده جمعی، بیان توفیق پیشگیری را تقلیل می‌دهد.

در خصوص بیان‌گیری از پیشگیری توصیه شده است که ارزیابی و سنجش باید دوره‌ای باشد و نباید منتظر پایان برنامه پیشگیری باشیم. بویژه زمانی که برنامه پیشگیری طولانی است، طراح باید بطور منظم و ادواری نمونه‌برداری کرده و آنها را ارزیابی کند. بدیهی است این بیان‌گیری‌های ادواری به متخصص پیشگیری امکان می‌دهد که جرح و تعدیل‌های موضعی برای آن طرح انجام دهد.

بدین ترتیب در سنجش پیشگیری، متخصص پیشگیری می‌خواهد برون‌داد این طرح را با برون‌داد آن مقایسه و ارزیابی کند. تا چه اندازه نتیجه پیشگیری با هزینه‌های انجام شده انطباق دارد. اینجا است که جرم‌شناسی سازمانی یا مهندسی جرم‌شناسی صورت می‌گیرد. یعنی حال که ما برای پیشگیری سرمایه‌گذاری کردیم، باید بینیم در بیان‌گیری از این پیشگیری برون‌داد این سرمایه‌گذاری چیست؟

بدیهی است در این سنجش و ارزیابی، هدف انطباق دستاوردها با انتظارات و اهداف پیشگیری است. این که ما پیشگیری را از قبل موفق بدانیم یا اینکه دولت در توجیه سرمایه‌گذاری‌های خود اظهار کند که اگر هیچ کار نمی‌کردیم وضع بزهکاری بدتر می‌شد، نمی‌تواند قابل پذیرش باشد. نباید پیشگیری را پیشاپیش موفقیت‌آمیز بدانیم.

## ۱۱- عملیاتی کردن پیشگیری و مدیریت آن

بحث دیگری که باقی می‌ماند، این است که چگونه بعد از این برنامه‌ریزی، پیشگیری را عملی کنیم؟ اصولاً برای پیشگیری چه سازمان و چه تشکیلاتی باید وجود داشته باشد؟

بدیهی است پیشگیری، برنامه‌ریزی‌ها، اقدامات و فعالیت‌های متنوعی را می‌طلبد. نمی‌توانیم یک موسسه یا وزارت‌خانه یا جامعه مدنی را برای پیشگیری کافی بدانیم. باید یک مرکز یا کمیته‌ای این برنامه‌ریزی‌ها را هماهنگ و برای آنها جهت‌گیری‌های مشخصی را روشن کند. اصولاً بحث پیشگیری، و ایجاد تشکیلات و سازمان خاص مدیریت پیشگیری بحث نوپا و جدیدی در دنیا است. یعنی اگر ما پیشگیری از جرم را با سرکوبی جرم مقایسه کنیم، آشکارا متوجه می‌شویم که بحث متولی پیشگیری بسیار جدید است و تجربه زیادی در ایجاد تشکیلات پیشگیری در سطح دنیا وجود ندارد. لذا جای تعجب نیست که در مورد مدیریت پیشگیری برداشت‌های متفاوتی را ببینیم. در این راستا، ما ابتدا نمونه فرانسوی آن را بیان می‌کنیم، سپس سعی می‌کنیم برای کشور خودمان با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی وضعیتی را ترسیم کنیم. در مورد فرانسه باید گفت که پیشگیری در سطح دولت و رسمی حدوداً ربع قرن عمر دارد. دولت فرانسه در سال ۱۹۷۶ میلادی به ابتکار رئیس‌جمهور، ژیسکارستن، دست به تأسیس کمیته‌ای تحت عنوان مطالعه خشونت و بزهکاری و پاسخ‌های<sup>۱</sup> آن زد. ریاست این کمیته بر عهده یکی از نمایندگان مجلس بود و ترکیب آن بسیار متنوع بود: اساتید دانشگاه، قضات، وکلای، اولیا و مربیان، جامعه مدنی، روانپزشکان، جرم‌شناسان، حقوقدانان

۱- برای اطلاعات بیشتر در مورد این کمیته و نتایج تحقیقات آن ر.ک. پاسخ‌هایی به خشونت (گزارش کمیته مامور مطالعه در امر خشونت و بزهکاری تحت ریاست آلن پرفیت)، ترجمه مرتضی محسنی، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۸.

## ۷۹۲ مباحثی در علوم جنایی

مأموریت این کمیته عبارت بود از بررسی کمیت و کیفیت بزهکاری در فرانسه و ارائه راهکارهای لازم برای سیاست جنایی. هدف دولت فرانسه در آن زمان این بود که یک سیاست جنایی منسجم و سنجیده بر اساس اطلاعات نسبتاً دقیق از موضوع مبارزه با بزهکاری کسب کند. در کشور فرانسه، تأسیس این کمیته برای نخستین بار ابزارهای سیاست‌گذاری منسجم و کلی را در قلمرو پیشگیری از جرم و سرکوبی آن فراهم کرد.

این کمیته به دنبال تحقیقات خود نهایتاً ۱۰۵ توصیه در زمینه‌های مختلف سیاست جنایی به دولت فرانسه پیشنهاد کرد. به دنبال این توصیه‌ها، دولت فرانسه با ابتکار و توصیه این کمیته در سال ۱۹۷۸ کمیته ملی پیشگیری از جرم را با شعباتی در سطح شهرستان و استان‌ها تأسیس کرد. ریاست این کمیته به عهده نخست وزیر گذاشته شد و آقای نخست وزیر به نمایندگی از خود دادستان وقت فرانسه را به عنوان مدیر و رئیس این کمیته برگزید. لذا بحث سیاست‌گذاری در پیشگیری به عهده نخست وزیر گذاشته شد و ترکیب این کمیته شامل نمایندگان وزارت‌خانه‌های ذی‌نفع و بخش‌های مختلف جامعه مدنی بود. به دنبال تغییر رئیس‌جمهور دولت فرانسه ۱۹۸۱، این کمیته نیز تغییر کرد. بدین معنا که با روی کار آمدن آقای میتران و رسیدن سوسیالیست‌ها به قدرت در ۱۹۸۲ و افزایش بزهکاری در فرانسه، شهرداران ده شهر بزرگ این کشور تصمیم گرفتند با الهام از کمیته مطالعاتی خشونت و بزهکاری، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون شهرداران در زمینه امنیت ایجاد کنند. این کمیسیون در سال ۱۹۸۱ کار خود را در مورد علل افزایش بزهکاری آغاز کرد. در دسامبر ۱۹۸۲ نتیجه مطالعات خود را در ۶۲ پیشنهاد و توصیه به نخست وزیر وقت ارائه کرد.

یکی از توصیه‌های این کمیسیون، تغییر کمیته به شورا بود و بدین ترتیب از ۱۹۸۳ شورای ملی پیشگیری از بزهکاری جای این کمیسیون را گرفت. این شورا دارای

## جرم‌شناسی ۷۹۳

شعباتی در سطح استان و شهرستان شد و ریاست آن را کماکان نخست وزیر برعهده دارد.

در کمیته مطالعاتی ۱۹۷۶، خشونت و بزهکاری در اولویت مطالعات بود. در سال ۱۹۸۲، مسأله امنیت مدنظر واقع شد و آنچه که بااهمیت بود احساس ناامنی<sup>۱</sup> در بین شهروندان بود. مأموریت شورای ملی پیشگیری از بزهکاری این بود که در شهرهای بزرگ فرانسه احساس امنیت را احیا کند.

احساس ناامنی لزوماً مؤلفه‌اش بزهکاری نیست. مؤلفه‌های آن متنوع است که یکی از این مؤلفه‌ها بزهکاری است. ناامنی قضایی و خشونت از منابع ناامنی در کشور می‌باشد.

اما مأموریت این شورا به اجرا درآوردن توصیه‌های کمیسیون مطالعاتی شهرداران در زمینه‌های مختلف از قبیل شهرسازی بود. نخست وزیر به عنوان بالاترین مقام اجرایی در رأس این شورا قرار داشت. در فرانسه قدرت اجرایی در اختیار نخست وزیر است.

در سال ۱۹۸۸، انتخابات ریاست جمهوری جدید صورت گرفت و آقای میتران انتخاب شد. در دوره جدید ریاست جمهوری مجدداً بحث پیشگیری دست‌خوش تغییرات شد و دولت جدید فرانسه تصمیم گرفت که شوراها را پیشگیری شهرستان و شورای پیشگیری استان را حفظ کند، اما شورای ملی پیشگیری را حذف کند و به جای آن نهاد جدیدی را ایجاد کند. بدین منظور در سال ۱۹۸۸ شورایی به نام شورای ملی شهرها و توسعه اجتماعی شهری ایجاد گردید.

ریاست این شورا کماکان با نخست وزیر بود، لیکن مدیریت مستقیم اجرایی این شورا را به وزیر شهرسازی محول کرد. چرا که به این نتیجه رسیده بودند که خشونت

## ۷۹۴ مباحثی در علوم جنایی

و بزهکاری یک پدیده شهرسازی است. ایجاد شهرک‌های جدید در اطراف شهرها و علی‌الاصول سبک برج‌نشینی بویژه در ایجاد این خشونت و بزهکاری سهیم می‌باشند. لذا رویکرد به جرم تغییر پیدا کرد. خشونت و بزهکاری حاصل شهرنشینی دانسته شد و پیشگیری روی ساخت و ساز شهرها و اقامتگاه انسانی متمرکز گردید.

تغییرات این شورا در سال ۱۹۸۸ انجام شد. وظیفه این شورا در مدل شهرسازی مستقر شد و ریاست مستقیم آن برعهده وزیر شهرسازی گذاشته شد.

وظایف شورای فوق به شرح ذیل است:

۱- مبارزه با کلیه فرآیندهایی که زمینه حاشیه‌نشینی فرد را فراهم می‌کند و تلاش برای ایجاد فرآیندهایی که زمینه بازپذیری و جامعه‌پذیری فرد را فراهم می‌آورند.

۲- ارتقاء برنامه‌های توسعه شهری که زندگی در محیط شهری را بهبود ببخشند.

۳- تقویت پیشگیری از بزهکاری و مصرف مواد مخدر (مواد مخدر صراحتاً به عنوان یکی از مؤلفه‌های انحراف).

۴- سازگاری سیاست کیفری و توسعه مکانیزم میانجیگری کیفری و صلح و سازش بین طرفین.

۵- تلاش برای یافتن اشکال جدید شهرسازی و نوآوری معماری.

۶- تعریف روش‌های جدید به منظور همکاری بین دولت، شهرداری‌ها و جامعه مدنی.

ملاحظه می‌شود که در تفکر جدیدی که از سال ۱۹۸۸ حاکم شد، جرم در سطح شهرسازی و شهرنشینی مطرح شد. جرم در ارتباط با معماری مطرح شد و مسأله مصرف مواد مخدر به عنوان یک معضل جدید جزء وظایف شورا قرار گرفت و بالاخره مکانیسم‌هایی که به قضاودایی کمک می‌کند نیز در وظایف شورای ملی شهرها و توسعه ملی شهر قرار گرفت. شورایی که خود از بخش‌های وزارت شهرسازی است.

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه، ر.ک. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری شماره ۲۲، ۱۳۷۷.

در هر حال، در فرانسه، سیاستگذاری در زمینه پیشگیری به دنبال مطالعات گسترده صورت گرفته است. توجه به پیشگیری از بزهکاری حدود ربع قرن عمر دارد. امر پیشگیری از وظایف وزیر است، لیکن در اجراء همکاری از نهادهای دولتی و غیر دولتی و جامعه مدنی بهره می‌برد.

بزهکاری و پیشگیری با شهرنشینی و شهرسازی عجین می‌شود، پیشگیری بیشتر جنبه محیطی دارد، یعنی بخشی از آن به پیشگیری وضعی مربوط می‌شود.

در سایر کشورها همیشه پیشگیری بر عهده نخست وزیر نیست. در انگلستان متولی پیشگیری پلیس است. در بلژیک پیشگیری بر عهده نهادی است که تلفیقی از وزارت کشور و دادگستری است. این نهاد به تنهایی اقدام به پیشگیری نمی‌کند، بلکه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی می‌کند و این برنامه‌ریزی‌ها با کمک کلیه نهادهایی است که با جرم سر و کار دارند. حتی شرکت‌های بیمه در نهاد سیاستگذاری مربوطه شرکت می‌کنند. لیکن متولی این سیاستگذاری، مصوبات را به تناسب به مجلس تقدیم می‌کند تا اعتبار قانونی پیدا کند و گاه به عنوان پیشگیری، مخاطب مصوبه عملاً پلیس و دادگستری است. این مصوبه به معماری یا در حوزه خاصی به معماری توجه می‌کند. ممکن است این شورا پیشنهادهایی به پلیس ملی بنماید. لذا نخست وزیر یا وزیر دادگستری یا وزارت کشور از نظر عملیاتی به تنهایی اقدام نمی‌کنند. مگر اینکه مصوبات شورا مربوط به آن وزارتخانه باشد. در فرانسه، پیشگیری از بزهکاری به عنوان یک اصل قانون اساسی و راهبردی در قانون اساسی جمهوری پنجم ۱۹۵۵ پیش‌بینی شد. لذا موضوع را به مجلس پیشنهاد می‌کنند و امر پیشگیری به عنوان نیاز مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۱۲- پیشگیری از بزهکاری در ایران<sup>۱</sup>

رویکرد قانون اساسی به جرم یک رویکرد قضایی بوده است. لذا جرم را در چهارچوب حقوقی آن مدنظر قرار داده و متولی جرم و متولی مبارزه با پیشگیری از آن را قوه قضائیه قرار داده است. در این باب نظریاتی وجود دارد:

۱- عده‌ای معتقدند که خبرگان قانون اساسی اشتباه کرده‌اند و پیشگیری نمی‌تواند بر عهده قوه قضائیه باشد، قوه قضائیه مقام اجرایی نیست. جمع امر تعقیب و مجازات مجرمین و امر پیشگیری از جرم و مجرم شدن در یک واحد کار درستی نیست. زیرا مجازات مجرمین یک سلسله اقدامات خاص را می‌طلبد و پیشگیری از بزهکاری نیز اقدامی را می‌طلبد که خاص باید باشد.

۲- دیدگاه دیگر که مرحوم دکتر کی‌نیا از آن حمایت می‌کردند اینست که بالاترین مقام کشور یعنی رهبری متولی پیشگیری باشد. زیرا کلیه قوا زیر نظر رهبری انجام وظیفه می‌نمایند و چون رهبر نظارت فائقه بر تمامی نهادها دارد، از جمله قوه مجریه، او باید سیاستگذاری نماید و مصوبات را به دولت ابلاغ کند یا عندالاقضاء به مجلس بفرستد و قانون شده به اجرا گذاشته شود.

۳- دیدگاه سوم این است که فعلاً واقعیتی به نام قانون اساسی داریم که هنوز معلوم نیست بازنگری بشود یا خیر. لذا با وضع موجود باید راه‌حلی پیدا کنیم. پس موضع‌گیری علمی می‌نمائیم. ابتدا باید بند ۵ را تجزیه و تحلیل کنیم. سپس به این سؤال جواب دهیم که قوه قضائیه عملاً می‌تواند متولی این بند باشد یا خیر. بطور خلاصه بند ۵ دقیقاً ترجمه عنوان کنگره‌های پنج‌سالانه سازمان ملل متحد (پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین) است. سازمان ملل برای نخستین بار با مدیریت

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: حمزه زینالی، پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات است جاری ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی شماره ۶،

## جرم‌شناسی ۷۹۷

شورای اقتصادی و اجتماعی خود که مخفف آن (Ecosoc) است، کنگره‌ای را با عنوان پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین تشکیل داد.

با انتخاب این عنوان، سازمان ملل متحد در مقام القاء اولویت‌های خود در زمینه سیاست جنایی به دولت‌های عضو بود. یعنی سازمان ملل متحد با انتخاب عنوان پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، در مقام توجه دادن دولت‌های عضو به اهمیت پیشگیری و بازپروری مجرمین بود.

نخستین جلسه کنگره در سال ۱۹۵۵ در ژنو تشکیل شد که «قواعد و مقررات حداقل راجع به نحوه رفتار اصلاحی با زندانیان»، نتیجه این کنگره است. آخرین جلسه کنگره در وین تشکیل شد و کنگره دهم در قاهره تشکیل گردید.

نویسندگان قانون اساسی که بعضاً با مکانیزم سازمان ملل آشنا بودند، این اصل اساسی سیاست جنایی سازمان ملل متحد را به این اعتبار که ایران عضو آن است وارد قانون اساسی می‌کنند. ولی دیدگاه آنها در زمینه پیشگیری، حقوقی و قضایی بوده است. یعنی نگرش آنها به جرم یک نگرش مضیق بوده است. محتوای این بند (بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی)، از دو قسمت تشکیل شده: ۱- پیشگیری از جرم و ۲- اصلاح مجرمین.

پیشگیری از جرم عام است، اما اصلاح مجرمین خاص است. با توجه به دو قسمت این بند، به نظر می‌رسد در خصوص پیشگیری از جرم، مراد، پیشگیری معمول در جرم‌شناسی پیشگیرانه باشد. یعنی پیشگیری قبل از وقوع جرم. اما در قسمت دوم، دقیقاً اصلاح بزهکاران مترادف با پیشگیری از تکرار جرم است و با توجه به این که اصلاح مجرمین به این معناست که جرمی اتفاق افتاده و به این معناست که مجازاتی در حال اجراست، لذا این محکومیت و نحوه اجرای باید جنبه بازپرورانه و اصلاحی داشته باشد. پس اصلاح مجرمین، یعنی پیشگیری از تکرار جرم که از مصادیق معمول در جرم‌شناسی بالینی است و چون در جرم‌شناسی بالینی ما با

## ۷۹۸ مباحثی در علوم جنایی

بزهکاران سر و کار داریم، یعنی کسانی که در اختیار عدالت کیفری قرار دارند، لذا این پیشگیری از نوع کیفری است. پیشگیری کیفری دو شکل دارد: ۱- یکی پیشگیری عام، یعنی ایجاد بازدارندگی و ۲- پیشگیری خاص.

در قسمت دوم بند ۵ پیشگیری خاص مدنظر است، اما پیشگیری عام از بزهکاری را نباید در این بند جستجو کرد. اصل راهبردی آن را باید در بند ۴ قانون اساسی جستجو کرد. زیرا طبق بند ۴، تعقیب و مجازات و اجرای حدود نسبت به مجرمین یکی دیگر از وظایف قوه قضائیه تعیین شده است. اصلاح مجرمین (قسمت دوم بند ۵) و کل بند ۴ اصل ۱۵۶، پیشگیری کیفری را تشکیل می‌دهند، یعنی در هر دو حالات، دستگاه عدالت کیفری و شعبات آن متولی هستند.

در زمینه پیشگیری می‌توانیم بگوئیم که قسمت دوم بند ۵ مصداق بارز جرم‌شناسی بالینی است و کل بند ۴ پیشگیری کیفری به شکل عام جرم‌شناسی حقوقی است.

قسمت اول بند ۵ ناظر به جرم‌شناسی پیشگیرانه است. جرم‌شناسی پیشگیرانه لااقل در دو شکل قابل تصور است (۱) پیشگیری اجتماعی (۲) پیشگیری وضعی که خود پیشگیری وضعی به دو شاخه تقسیم می‌شود: ۱- پیشگیری جرم‌شناختی و ۲- پیشگیری بزه‌دیدة‌شناختی. در پیشگیری وضعی جرم‌شناختی، هدف مداخله در اوضاع و احوال مشرف بر جرم است، به شکلی که معادله مجرم شدن مختل گردد. لیکن در پیشگیری وضعی بزه‌دیدة‌شناختی، هدف مداخله در وضعیت پیش‌جنایی به شکلی است که از بزه‌دیدة واقع شدن هدف و یا موضوع جرم جلوگیری شود.



### ۱۳- وظیفه قوه قضائیه و محاکم نسبت به پیشگیری از بزهکاری<sup>۱</sup>

با توجه به توضیحات ارائه شده به نظر می‌رسد که راه حل سوم صحیح‌تر باشد. قانونگذار باید بند ۵، را به این نحو عملی کند که در خصوص قسمت دوم بند ۵ یعنی اصلاح مجرمین، قوه قضائیه به اعتبار اینکه مدیریت سازمان زندان‌ها را به عهده دارد، اصلاح مجرمین را نیز به عهده داشته باشد (یعنی پیشگیری از تکرار جرم). اما مسأله‌ای که باقی می‌ماند قسمت اول بند ۵ است، یعنی پیشگیری از جرم.

پیشگیری از جرم را اگر به معنای پیشگیری غیرکیفری بپذیریم، دو شکل دارد: ۱- پیشگیری وضعی و ۲- پیشگیری اجتماعی. در این صورت قوه قضائیه نمی‌تواند به تنهایی مجری بند ۵ باشد. اما در خصوص قسمت اول، قوه قضائیه می‌تواند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی پیشگیری از بزهکاری را بعهده بگیرد.

پیشگیری از بزهکاری ماهیت و اشکال مختلفی دارد و لاجرم کمک و همکاری سازمان‌های مختلف دولتی و نیز سازمان‌های غیر دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد، لذا قوه قضائیه باید کمیسینی تحت عنوان شورای سیاستگذاری در زمینه پیشگیری از جرم تشکیل دهد. این کمیسیون که سیاستگذار است، متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های ذی‌سهم در کنترل جرم و همچنین سازمان‌های غیر دولتی خواهد بود.

ریاست این کمیسیون با دستگاه قضایی است، لیکن این شورا می‌تواند با سفارش دادن تحقیقات مقطعی راجع به نوسانات بزهکاری در جامعه و رشد بعضی از جرایم

۱- برای اطلاعات بیشتر در این زمینه بنگرید به: امیر حسن نیازپور، پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری (دوره جدید) شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۲.

### ۸۰۰ مباحثی در علوم جنایی

در کشور، سیاستگذاری خود را سامان بخشد و در قالب لوایحی، به مجلس توصیه‌ها و نتایج را جنبه عملی بخشد.

بدین ترتیب قوه قضائیه و محاکم نمی‌توانند مجری قسمت اول بند ۵ باشند. ممکن است اینها بتوانند در زمینه پیشگیری، پیشنهادهای را در جهت اصلاح رویه قضایی یا اصلاح تسهیلات قضایی ارائه بکنند که در این صورت خطاب این پیشنهادات خود دستگاه قضایی است ولی در اکثر موارد نهادهای دیگر نیز مشمول این مصوبات قرار می‌گیرند.

اگر از این زاویه قسمت اول بند ۵ را نگاه کنیم، پیشگیری امکان‌پذیر است. رویه دولت‌ها در زمینه پیشگیری مشابه یکدیگر نیست. در همه کشورها متولیان پیشگیری فقط سیاستگذاری می‌نمایند، ولی اقدامات اجرایی بر عهده نهادی دیگر است.

در خصوص ترکیب شورا بحث است که آیا اعضای شورا باید دولتمردان و سیاستمداران باشند یا متخصصان پیشگیری؟ عده‌ای معتقدند برای اینکه پیشگیری جنبه عملیاتی به خود بگیرد، نیاز است که پشتیبانی و حمایت دولتمردان را داشته باشد. لذا دولتمردان را مشارکت دهیم تا در تأمین بودجه مشکل نداشته باشیم.

خطر این پیشنهاد این است که با توجه به اینکه دل‌نگرانی سیاستمداران و دولتمردان، کسب نتیجه کوتاه مدت است تا بهره‌برداری سیاسی و انتخاباتی از اقدامات خود بنمایند، مصوباتی مدنظر آنها باشد که جنبه موقتی داشته باشد و این با طبع متخصصان هماهنگ نیست.

عده‌ای دیگر پیشنهاد می‌کنند که ترکیب شوراها را عمدتاً متخصصان امر پیشگیری انتخاب کنیم، بطوری که خود به عنوان متخصص هم مطالعات انجام دهند و هم اینکه مصوبات و پیشنهادات و لوایح لازم را تهیه نمایند.

ایراد به این دیدگاه اینست که اصولاً در چنین حالتی تصمیمات و پیشنهادات و پیش‌نویس‌های چنین شورایی کمتر شانس استقبال و اجرا در مراجع اجرایی و تقنینی

## جرم‌شناسی ۸۰۱

دارد. زیرا در کشورهایی که مبتنی بر سیستم انتخاباتی هستند، دولت‌ها بزودی عوض می‌شوند و چون امر پیشگیری مستلزم صرف بودجه و زمان است، کمتر دولتی است که شروع به پیشگیری کند، ولی بهره‌برداری آن را دولت دیگر ببرد. لذا تصمیمات کلان این شوراها در عمل عقیم خواهد ماند.

برای حل این معضل پیشنهاد شده است که دو نوع کمیسیون تشکیل دهیم. در سطح پایین سه شورا و در سطح عالی یک شورا وجود داشته باشد. در سطح اول شوراها به ترتیب عبارتند از:

- ۱- شورای اصلاحی و انطباق حقوق کیفری با نیازهای روز،
- ۲- شورای مبارزه با تکرار جرم. این شورا می‌تواند دو شکل داشته باشد یکی همان اصلاح معمول در سازمان زندان‌ها و دیگری حمایت از مجرمین سابقه‌دار در سطح جامعه برای جلوگیری از سقوط مجدد آنها در ورطه بزهکاری؛
- ۳- شورای پیشگیری جمعی از بزهکاری، یعنی تدابیر پیشگیرانه معمول در جرم‌شناسی پیشگیرانه.

بدیهی است ترکیب این شورا تلفیقی از نظریه‌پردازان و متخصصین و صاحب‌نظران اجرایی، قضایی و پلیسی ذی‌سهم در کنترل جرم خواهد بود. در سطح دوم (ورای سه شورای فوق)، شورایی به نام شورای سیاست جنایی که مجمع مدیریتی و سیاستگذاری است و متشکل از صاحب‌نظران خواهد بود قرار خواهد داشت.

بدیهی است در کلیه این مراحل سه‌گانه سطح اول و شورای سطح دوم، لازم است نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی مشارکت داشته باشند. در مقوله سیاست جنایی و پیشگیری، شکل مشارکتی باید لحاظ گردد.

## ۸۰۲ مباحثی در علوم جنایی

با توجه به بند ۵ اصل ۱۵۶، قانونگذاری و سیاستگذاری به عهده قوه قضائیه است. شورایی که قوه قضائیه تشکیل می‌دهد، می‌تواند زیرمجموعه‌هایی داشته باشد که در زمینه‌های مختلف پیشگیری کار می‌کنند.